

برده‌داری خانگی در اسناد الله‌آباد؛ اواخر دوره تیموریان هند

مهرداد رمضان‌نیا^۱

چکیده: برده‌داری در شبه‌قاره هند، تابعی از شرایط گوناگون مذاهب و نظام اجتماعی و حقوقی است، این امر منجر به نظامی پویا مطابق با دوران اجتماعی - سیاسی خاص خود است. هدف اصلی مقاله در پی بازتعریفی از بردگی، ذیل عنوان برده‌داری خانگی است که در مطالعات تاریخ اجتماعی و نظام برده‌داری اسلامی کمتر بدان پرداخته شده است. در اسناد بدست آمده از شهر الله‌آباد در شمال هند، اشکال پراکنده‌ای از نظام برده‌داری در قالب مفاهیم خویشاوندی شکل گرفت؛ به نحوی که بردگی خانگی در «پیوستار خویشی» تداوم یافت. در این نظام، برده‌داری بازتاب فرایندی از «کالاشدگی» و «مالکیت» است. افزون بر آن، در این اسناد سعی شده است تا با واکاوی استعاره‌ها و مفاهیمی، همچون بردگان - مقاطعه‌ای، بردگان - فروشی، بردگان - هبه‌ای، بردگان - بدهی، و بردگان - نکاحی؛ زمینه‌های پژوهشی و خوانشی تازه از این نوع نظام برده‌داری فراهم آید. همچنین نتایج برآمده، ما را در مواجهه با مولفه‌ی ارادی برده‌داری و مقولات تجاری و غیرتجاری بردگان خانگی قرار می‌دهد. مدعیات ما در این مقاله مشخصاً بر اساس زمان‌بندی اواخر تیموریان هند، سده هیجدهم و نیمه نخست سده نوزدهم میلادی (تحت نفوذ بریتانیا)، پی‌ریزی شده است. تأکید می‌شود مباحث حقوقی - فقهی برده‌داری اسلامی خارج از موضوع مقاله است.

واژه‌های کلیدی: برده‌داری، بردگی، برده‌داری خانگی، تیموریان هند، خویشاوندی

۱ دکترای تاریخ، مدرس مدعو، دانشگاه مازندران، ramezannia.mehrdad@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۰

Domestic Slavery in Allahabad Documents: Late Timurid India

Mehrdad Ramezannia¹

Abstract: Slavery in Indian subcontinent, a function of different variables from religion to social and legal system, led to a dynamic system relevant to Indian socio-political environment.

The main objective of this article is to redefine Slavery in terms of Domestic Slavery which has been paid less attention in the social history of slavery in Islamic studies.

Based on Allahabad documents, the study reveals that dispersed forms of slavery system in India in late Timurid time eventually got shaped within the frame of domestic slavery followed by “Constant Kinship Slavery”. In this system slavery is considered as the reflection of “property” and “possession” process. In addition, an extra attempt has been taken to conceptually unfold some sophisticated terms and metaphors within the documents to introduce new prospects as well as fresh fields in research. Some illustrations of such terms would be mentioned as: slave-in-contract, slave-in-sell, slave-in-gift, slave-in-debt, slave-in-marriage and so on. The findings also made us to face with some categories so-called Slavery Intention and Commercial and Noncommercial Domestic Slavery.

In this research the matter of date, from late Timurid India in late 18th century to the first half of 19th century, under the British ruling, is carefully observed. It has to be emphasized that in this research the jurisprudential and legal aspects of Islamic slavery is out of concern.

Keywords: slavery, slavery system, domestic slavery, Timurid India, kinship

1 PhD in History. Invited lecturer in Mazandaran University ramezannia.mehrdad@gmail.com

مقدمه

با ورود اسلام به شبه‌قاره هند، رسمیت نهاد برده‌داری، که پیش‌تر در هند باستان نهادینه شده بود، تداوم یافت.^۱ اسلام هنجارهای مالکیت خصوصی را به منزله پایه و اساس حقوق مدنی اسلامی نظام‌مند و معیارسازی کرد. برده‌داری احتمالاً پس از تصرفات حکومت مسلمانان در هند اهمیت بیشتری یافت، و چه بسا تعدیل‌ها و تشدیدهایی در آن صورت گرفت.^۲ در میان مسلمانان هند، گسترش برده‌داری را می‌توان از دو منبع موثق درباره حقوق اسلامی، هدایه و فتوی عالمگیری، دریافت. این منابع، در مراجع قضایی هند خصوصاً در دوره حاکمیت هند - بریتانیا اهمیت به سزایی یافتند.^۳

در حقوق رومی، که اصطلاح اسلیو^۴ از واژه سیروس^۵ مشتق شده است، برده به کسی گفته می‌شود که زندگی‌اش با متنی باز بخشیده (محفوظ) شده باشد. برده شخصی است مرد یا زن، مطیع مطلق سلطه صاحب که از طریق فروش، ارث یا جنگ به دست آمده است.^۶ گرچه مفهوم بردگی پدیده‌های اجتماعی متنوعی را شامل می‌شود، پذیرفته‌ترین شکل آن به «نظامی اجتماعی که در آن شخصی در تملک فردی دیگری است» تعبیر می‌شود.^۷ در این نظام حقوقی و اقتصادی مجموعه‌ای از عقاید وجود دارد که برده‌داری اساساً در شکل بهره‌کشی بیان می‌شود.^۸

۱ در هند باستان واژه داسا (dasa) در اصل به جمعیت تیره‌پوستان دراویدی گفته می‌شد که مورد تهاجم آری‌ها قرار گرفته بودند. این واژه بعدها به معنی «برده» تحول معنایی پیدا کرد. در دوره بودایی‌گری، بردگی دلالت ضمنی قومی خود را از دست داد و داسا به روشن‌پوستان نیز اطلاق می‌شد.

Slavery and Human David Brauan Davis (1984), *Progress*, Oxford: Oxford University Press, p. 32.

طبق طبقه‌بندی مجموعه قوانین باستانی هندو، نارادا (narada)، برده‌داری از سه منبع تأمین می‌شد: الف اگره‌اجاتا (grihajata)، شخصی که در خانه صاحب برده زن به دنیا آید؛ ب کریتا (kreetta)، شخص که به مبلغی خریداری شود؛ ج جودپراپتا (joodhpapta)، کسی که در جنگ به اسارت گرفته شود.

Manjari Dingwaney (1985), 'Unredeemed Promises; The Law and Servitude', in *Chains of Servitude; Bondage and Slavery in India*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: sangam Books, pp. 284-285.

2 M. Athar Ali (2006), *Mughal India: Studies in Polity, Ideas, Society and Culture*, New Delhi: Oxford University Press, p. 5.

۳ در این منابع برده‌داری به دو دسته غیرمشروط و مشروط طبقه‌بندی شده‌اند. بردگان غیرمشروط به‌عنوان کین (kinn) یا روکیک (rukeek) شناخته، و بردگان مشروط موکاتب، مودابار (muddabar) یا مال‌الوالد خوانده می‌شدند؛ See: Dingwaney, pp. 292-293

4 Slave.

5 Servus.

6 Pierre Dockes (1982), *Medieval Slavery and Liberation*, Chicago: Chicago University Press, p. 4.

7 Amal Kumar Chattaopadhyay (1977), *Slavery in Bengal Presidency (1772-1843)*, London: Golden Eagle, p. 1.

8 See; Paul E. Watson (1983), *Transformations in Slavery: a History of Slavery in Africa*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 1; Lionel Caplan (1980), 'Power and Status in Sought Asian Slavery', *Asian and African Systems of Slavery*, James L. Watson, Berkeley and London: University of California Press, p. 191.

در شبه‌قاره هند، چتوپادهیای با اشاره به بنگال به‌طور خاص ملاحظاتی اقتصادی را در استفاده از بردگان دخیل می‌داند. به نظر او بردگی نوعی از بهره‌وری است که در آن، برده کالای اقتصادی محسوب می‌شود و جنبه تجاری (سودبخشی) پیدا می‌کند.^۱ جی. راون‌شاو مقام استعماری بریتانیا در هند در گزارشش اشاره می‌کند: «برده بدون قرارداد و رضایت، ملزم به کار برای سودهی صاحبش است، مالک همزمان این حق را دارد که با فروش او را اخراج کند یا به هر طریق دیگری، همچون کالایی در تملک شخص سومی درآورد».^۲ در این مقاله نیز برده‌داری نوعی از مالک‌شدگی و بهره‌وری از دارایی انسانی تعریف می‌شود. بدین نحو بردگان صریحاً در جایگاه مستقیم تملک (اموال شخص منقول، به‌مانند کالا) قرار می‌گیرند، که از نظر کالابودگی هر لحظه فروشی یا انتقالی است.

اهمیت اسناد الله‌آباد در گونه تقسیم‌بندی اسنادی است. این اسناد ذیل نظام اسناد خانوادگی، در برابر نظام اسناد دیوان‌سالاری دسته‌بندی می‌شود کل این مجموعه در خصوص قباله‌جات مردم عادی است که در بازخوانی تاریخ اجتماعی این برهه، اهمیت به‌سزایی دارد. همچنین ارزش حقوقی آن، در به کارگیری قواعد فقهی و شرعی در مبادلات نظام برده‌داری نهفته است. دست‌یابی به این گونه اسناد کمیاب، و تجزیه و تحلیل آن، موجبات درک روشن‌تر ما از نظام برده‌داری در جهان اسلام خواهد شد.^۳

در مقاله پیش‌رو علاوه بر تثبیت تعریف کالابودگی از بردگی در پی صورت‌بندی برده‌داری خانگی هستیم که در مطالعات تاریخ اجتماعی و نظام برده‌داری اسلامی، کمتر بدان پرداخته شده است. مسئله اصلی، شکل پراکنده‌ای از برده‌وارگی است که خود را عموماً تحت لوای ساختارهای خویشاوندی، وراثتی، هبه و ازدواج پنهان توجیه‌پذیر می‌نمایاند. با تکیه بر اسناد موجود و بازخوانی آن، موارد صورت‌بندی برده‌داری خانگی و نظام روابطی و تجاری آن، با محور قراردادن مفاهیم خویشاوندی، بررسی خواهد شد. واکاوی استعاره‌ها و

1 Chattopadhyay, p. 3-33.

2 ibid, p.1. cites; J. G. Ravenshaw, Collector, Sought Canara to George Garrow, Actg. Sec., Bd. Of Rev., 12 Aug., 1801, pp. 1828, vol. 24, p. 550.

۳ در این زمینه در ایران، بیش‌تر اسناد معرفی‌شده برده‌داری مربوط به مقامات درباری یا صاحب‌منصبان اشراف دوره قاجاری است (گونه اسناد رسمی - دیوانی). پژوهش‌هایی از این دست به تکننگاری‌ها، معرفی تک‌اسنادهای برده‌داری، و یا آزادی بردگان محدود شده است و گاهی از شناخت نظام حاکم بر این نوع برده‌داری باز نمی‌کند. نک: عبدالحسین نوایی (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، «اسنادی از خرید و فروش برده»، گنجینه اسناد، ش ۴۷-۴۸، صص ۴-۱۱؛ سیمین صدیده (۱۳۸۷)، «سه سند آزادی‌نامه بردگان از دوره صفوی»، پیام بهارستان، دوره ۲، ش ۱ و ۲، صص ۱۶-۲۱؛ نرگس علیپور (۱۳۹۰)، اسناد برده-فروشی و منع آن در عصر قاجار، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ساختارهای خویشاوندی نیز به این دلیل ضروری به نظر می‌رسد که توجه ما را، هم به اشکال تجاری و هم اشکال غیرتجاری بردگان معطوف می‌کند. ممکن است بردگان در اقسام متنوعی همچون، بردگان - مقاطعه‌ای، بردگان - هبه‌ای، بردگان - بدهی، و بردگان - ازدواجی قرار گیرند، با این حال شرایط قیدی مختص به خود را مطابق نوع قرارداد تحمیل کرده‌اند. از این‌روی می‌توان آن‌ها را ذیل مؤلفه برده‌داری ارادی در مقابل مؤلفه برده‌داری غیرارادی (اسارت در جنگ) تقسیم‌بندی کرد. همچنین کارکرد دو گانه مقولات تجاری و غیرتجاری برده‌داری خانگی بازخوانی می‌شود.

پیشینه تحقیق

برده‌داری در شبه‌قاره هند تابعی از شرایط گوناگونی مذاهب و نظام اجتماعی و حقوقی است؛ به‌نحوی که این امر به نظامی پویا مطابق با برهه اجتماعی - سیاسی خاص خود بدل می‌شد. این موضوع با تأسیس حکومت‌های مسلمان در هند تحول شکلی قابل‌توجهی یافت. در ابتدای حکمرانی مسلمانان در دوره سلاطین دهلی، غلامان برده در رسته نظامی فعالیت می‌کردند. با استقرار تیموریان هند، غلامان آن‌گونه که در دوره سلاطین دهلی به کار گرفته می‌شدند دیگر در رسته‌های بالای نظامی و اداری دیده نشدند. سلیم قدوائی در مقاله خود به بررسی دگرگونی شکلی از برده‌داری - نظامی‌گری سلاطین دهلی به برده‌داری خانگی در دوره تیموری می‌پردازد (نک، صورت‌بندی خانگی در پایین). او این تغییر را تا حدودی ناشی از افزایش رشد شهرنشینی و استفاده از پول در معاملات اقتصادی می‌داند. همزمان با افزایش تقاضای برده در مراکز شهری و رونق بازار بردگان، تغییر جهت انگیزه حاکمان جدید شهری در گسترش برده‌داری خانگی و تحول آن از شکل بردگان - نظامی تقویت می‌شد.^۱

در حالی که قدوائی هر دو عامل اجتماعی و اقتصادی را در توصیف افزایش برده‌داری و همین‌طور تغییرات نهادی آن مؤثر می‌داند، نگرش عرفان حبیب، حاوی رویکردی صرفاً اقتصادی در استفاده از بردگان است. حبیب معتقد است در سده‌های دوازده و سیزدهم میلادی صنعت و حرف وابسته طبقات حاکم نیازمند بردگان آموزش‌دیده‌ای بود که در تولید پارچه و مشاغل وابسته به آن به کار گرفته می‌شدند.^۲ او زوال نهاد برده‌داری نظامی‌گری دوره

1 see, Salim Kidwai (1985), 'Sultans, Eunuchs and Domestics', *Chains of Servitude*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: Sangam Books.

۲ اشاره عرفان حبیب به نوعی از بردگانی است که در خدمات تولیدی و مصنوعات مورد مصرف خانواده‌های اشرافی و درباری در کارخانه به کار گرفته می‌شدند. در این کارگاه‌ها، در اصطلاح فارسی - هندی کارخانه، بسیاری از کالاهای مورد نیاز تولید می‌شد. شمار زیادی از بردگان برای کار در کارخانه‌های امپراتوری تربیت و به وظایفی گمارده می‌شدند.

سلاطین دهلی را فقط به عامل اقتصادی فرو می‌کاهد؛ بدین‌نحو که کارگران آزاد و ارزان‌قیمت جایگزین بردگان فاقد نیروی کار تولیدی می‌شدند، و رفته‌رفته بازار تجارت برده در سده پانزدهم میلادی هند از رونق افتاد.^۱

این‌درا نی چترجی با مفهوم‌سازی بردگان خانگی،^۲ فهم ما را از نهاد برده‌داری اواخر دوره تیموریان و اوایل دوره هند - بریتانیا وارد مقوله جدیدی می‌کند. مفهومی که صورت‌بندی بردگی خانگی در اسناد الله‌آباد حول آن تبیین می‌شود. او هرگونه طبقه‌بندی پیشینی نظام برده‌داری و بردگان را به این دلیل که بسیار ساده‌انگارانه‌اند به پرسش می‌گیرد. چترجی اظهار می‌دارد: در این دوره مالکان برده، سعی دارند با وارد کردن برده‌داری در جایگاه خویشاوندی و استفاده از مفاهیم خویشی به آن مشروعیت بخشند.^۳ چترجی همچنین با نقد نظام برده‌داری غرب، نگاهی تازه درباره واقعیت استفاده از زنان و کودکان برده در جنوب آسیا به دست می‌دهد. از نگاه او تملک بردگان مقیاسی از شأن و قدرت از دیگری است، و موجب ارتقای جایگاه اجتماعی مالکان.^۴

تانیکا سرکار در واکاوی برده‌داری هند، بردگی و اسارت را تشکیل دهنده مقوله نیروی کار اجباری می‌داند. به نظر او، گرچه همه اشکال برده‌داری با قدرت مطلقه صاحب، و کنترل بی‌قید و شرط شاخصه‌بندی می‌شود، نمی‌توان آن را ضرورتاً در قاعده تجاری/بازار برده قرار داد.^۵ این ادعا با توجه به اسناد الله‌آباد به چالش گرفته می‌شود.

در مطالعه بردگان خانگی، رابطه بین ازدواج و برده - صیغک^۶ ویژگی تازه‌ای به برآیند

Irfan Habib (1969), 'Potentialities of Capitalism Development in the Economy of Mughal India', *Economic History*, vol. 29, no. 1, p. 57.

همچنین: کی. لعل از «مجموعه‌دار» برده، و «دیوان بندگان» به‌عنوان بخشی مجزا و واحدی متمایز از «دیوان وزارت (مالی)» در نظام اداری حاکمان مسلمان هند نام می‌برد.

K. S. Lal (1994), *Muslim Slave System in Medieval India*, New Delhi: South Asia Books, p. 111.

1 Habib, *ibid.*

2 Domestic Slavery.

3 Indrani Chatterjee (1999), Colouring Subalternity: Slaves, Concubines and Social Orphans in Early Colonial India', *Subaltern Studies x*, eds. Gautam Bhadar, Gyan Prakash and Susie Tharu, Oxford: Oxford University Press, pp. 50-51.

4 Indrani Chatterjee (1999) *Gender, Slavery and Colonial India*, Delhi: Oxford University Press, p. 16.

در نظام امپریالیستی غرب با بردگان به‌عنوان کالای تجاری رفتار می‌شد. تجارت برده در راستای «سرمایه‌داری» قرار داشت، زیرا بخشی از سود سرشار آن در صنعت سرمایه‌گذاری می‌شد. نک: وانسا مارتین (۱۳۸۲) «توقف تجارت برده و اوضاع داخلی ایران»، *تاریخ روابط خارجی*، ترجمه ایرج وفایی، ش ۱۷، ص ۴۵-۴۸.

5 see, Tanika Sarkar (1985), 'Bondage in the Colonial Context', *Chain of Servitude; Bondage and Slavery in India*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: Sangham Books, pp. 97-101.

۶ در این نوشتار، صفت الحاقی صیغک/صیغکانی اشاره‌ای است به بردگانی که در قبالت‌جات این مجموعه اسناد جهت لذت‌جویی جنسی انتقال داده می‌شدند.

تولیدات و تجربیات تاریخی مختص زمانه خود می‌دهد. به نظر شاداب بانو، نهاد صیغگری در مقایسه با بردگی معمولی خانگی، مقوله خاصی از برده‌وارگی است؛ آن‌هم در بستر همانندیش با نهاد ازدواج.^۱ بانو همچنین اظهار می‌دارد از زمان تیمورلنگ، حرم تیموریان با نوع متمایزی از همسران قانونی، همسران آزاد فرودست، و برده - صیغکان، تشخیص می‌یافت.^۲ بیلی مترجم کتاب فتوی عالمگیری از نوعی بردگی نام می‌برد که ممکن است ذیل نهاد ازدواج پنهان بماند. او در بازسازی و تشریح حقوق متنی اسلامی ازدواج، این نوع بردگی را وارد مقوله سوم نکاح - برده در کنار نکاح «دائمی» و «موقتی» می‌کند. (نک: ۲-۳)

صورت‌بندی برده‌داری خانگی

در نظام برده‌داری شبه‌قاره، ما اساساً با پدیده‌ای از بردگی مواجه‌ایم که تمایز ماهوی عمده‌ای با نظام معمول برده‌داری در غرب دارد. در این دوره نخبگان سیاسی و اقتصادی شبه‌قاره قاعداً به کارگران برده برای «تولیدات اصلی» وابسته نبودند، نظام برده‌داری خصوصاً در این برهه، شکلی از اجتماع «دارندگان برده» را تشکیل می‌داد، نه جوامع بردگان. برده‌داری شبه‌قاره هم از جهت اقتصادی و هم از جهت منزلت اجتماعی به هم وابسته بودند و بردگان منافع دوگانه‌ای از دارندگی محسوب می‌شدند. کاپلن صریحاً تصدیق می‌کند در شبه‌قاره هند، برده‌داری دارای نظامی بومی است و تمایزی آشکار بین قدرت و جایگاه بردگان وجود دارد.^۳ به احتمال زیاد جمعیت بردگان شامل اکثر بومیان هندی می‌شد؛ به این دلیل به‌هیچ‌وجه قابل‌مقایسه با برده‌داری در غرب نیست که بردگان از آفریقا تأمین می‌شدند. شاید بخشی از جمعیت بردگان هند از بردگان وارداتی سواحل شرقی آفریقا، خلیج فارس، ماداگاسکار، جاوه، عدن و دیگر تصرفات استعماری بریتانیا تأمین می‌شد، اما در اقلیت بودند.

1 Shadab Bano (2005), 'Marriage and Concubinage in Mughal Imperial Family', *Proceedings - Indian History Congress, Delhi: Indian History Congress, Vol. 65, p. 10.*

2 *ibid*, p. 16.

هادی عالم‌زاده و فریبا کاظم‌نیا با استخراج مفاهیم و حقوق کنیزان از منابع متون کلاسیک اسلامی دوره طاهریان تا مغول، نقش کنیزان را در قالب سربات در نهاد خانواده بررسی کرده‌اند. همچنین نقش جنسی کنیزان در قالب سربات معمول و متعارف بود و احکام فقهی اجازه خرید و فروش را می‌داد. نک: هادی عالم‌زاده، فریبا کاظم‌نیا (پاییز ۱۳۸۸)، «کارکرد کنیزان در خانواده (از طاهریان تا مغول)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۰۳-۱۰۶.

3 Neil B. E. Bayllie, *Digest of Moohummudan Law, Containing the Doctrines of Imemeea Code of Jurisprudence on the Most Important of the Same Subject* (London 1869), ii, pp. XIV-XV, as cited by Catterjee, *ibid*, pp. 81-82.

4 Kaplan, pp. 189-192.

کارکرد برده‌داری/بردگی خانگی (زنان برده در اجتماع هندو و مسلمان)

اکثر بردگان خانگی (اسناد الله آباد) را زنان تشکیل می‌دهند که به دو منظور عمده در امور کارهای خانه و لذت‌جویی‌های جنسی مورد بهره‌کشی قرار می‌گرفتند. در این نظام اجتماعی، صاحب بردگان مرد و زن، آن‌ها را در کارهای متنوعی همچون: پخت‌وپز، شست‌وشوی و رنگرزی؛ به‌عنوان فرش‌باف، آهن‌فروش، زرگر و از این دست امور به‌کار می‌گرفتند.^۱ البته نباید مسئله «پاکی» را که از اهم موضوعات نظام کاست هندو است، از نظر دور داشت؛ نظامی که به درون سیستم برده‌داری نیز انتقال می‌یافت.^۲

در جامعه مسلمانان، بردگان خانگی کارکرد مشابهی همانند خانواده‌های هندو داشتند. مالکیت برده نشانه‌ای از امتیاز خدم‌وحشم، و بخشی از شکوه و جلالتی بود که ایشان را از دیگر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌ساخت. جایگاه اجتماعی مردان در جامعه عمیقاً با تعداد بردگان آشکار می‌شد. این موضوع فقط شامل اشراف نمی‌شد؛ بلکه طبقات متوسط، خرده زمینداران، بازرگانان و حتی عالمان، کارگزاران و خرده‌مقامات اداری را نیز دربر می‌گرفت. منزلت اجتماعی به احتمالی با مالکیت برده طبقات متوسط و طبقه بالا تقویت می‌شد.^۳ اشراف از داشتن بردگان و دختران - برده، برای ویژگی درون‌خانوادگی این دوره سود می‌جستند. در واقع حرم هر اشرافی نسخه‌ای بود از خانواده درباری.^۴

همان‌طور که گفته شد زنان، اصلی‌ترین بخش برده‌داری خانگی را تشکیل می‌دادند. طبق گزارش ملکوم در بررسی‌های مالوا^۵ و مناطق الحاقی آن، استفاده جنسی از زنان برده وجود داشته است.^۶ در اسناد الله آباد، ماهیت واقعی استفاده جنسی از زنان برده با توجه به نهاد

1 Athar Ali, p. 131.

۲ در حالی که کشاورز یا خدمتکاران معمولی تنها دست به کارهای «پاک» می‌زدند، زنان برده کارهای «پاک» و «ناپاک» را در خانه یا سر زمین انجام می‌دادند. برای مثال، نوشیدن آب از دست برده کاست ناپاک، موجب ناپاکی آیینی خانواده می‌شد. همچنین در حقوق هندو، طبق برتری طبقاتی نظام کاست، امکان به بردگی کشیده شدن کاست بالا به کاست پایین وجود نداشت؛ Caplan, pp. 187-188.

آن‌ها همچنین ملزم به برآورده کردن نیازهای جنسی صاحب بودند، که ناکا - ایتیس (nataka-itthis) نامیده می‌شد.

Dev Raj Chanana (1960), *Slavery in Ancient India*, New Delhi: People's Publishing House, pp. 45-52.

در جامعه مسلمانان نیز، *سلات* از موقعیت برتر اجتماعی خود همانند برهمن‌های در جامعه هندو بهره می‌بردند. از آنجا که خود را از تبار پیامبر اسلام می‌دانستند، از این روی هیچ‌گاه در شرایط و جایگاه بردگی قرار نمی‌گرفتند. Cattopadhyay, p. 40.

3 ibid, p. 31.

4 Pushpa Suri (1977), *Social Condition in 18th Northern India*, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers, p. 47.

5 Malwa.

۶ در این مناطق، دختران رفاض توسط نکین‌ها (nakin)، یا سردسته گروه‌ها و تشکیلات مختلفی فروخته می‌شدند. همچنین بررسی‌های یوچانن نشان می‌دهد که استفاده از زنان برده در ایالت‌های بنگال و بیهار به طور گسترده‌ای شایع بود. به نظر او

طوائف (نک، ۱-۳) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۱

منابع برده‌داری خانگی

اکثر منابع اصلی بازتولید بردگان خانگی از مؤاخذ حقوقی هندو و اسلامی، در خصوص قاعدهٔ تبار- بردگی، تأمین و مشروعیت بخشیده می‌شد.^۲ از آنجا که انتقال و بازتولید برده‌داری از طریق تبار به گسترش و پیچیدگی اشکال بردگی خانگی دامن می‌زند، لزوم توجه به اشکال موجود آن در جامعه هندو و اسلامی ضروری است. تنوع بی‌کران هند در نظام‌های متفاوت برده‌داری در مناطق مختلف بازتاب می‌یافت. برای مثال در راجستان بردگانی به نام گلا^۳ یا داس^۴ خوانده می‌شدند که عموماً شامل نوزادان نامشروع خارج از نظام کاست راجپوتان با زنان بَهِل^۵ و دیگر زنان کاست پایین بودند.^۶ رسم منحصر به فردی از بازتولید تبار- بردگی

«زنان بردهٔ خانگی عمدتاً همچون صیغکانی برای مسلمانان و هندوها استفاده می‌شد». مردان ثروتمند با زنان سرسپرده، مولی‌زاد (بردگان زراعی میان مسلمانان) رابطه داشتند و این عملی مرسوم بود. علاوه بر آن، برده‌زنی خصوصاً برای صیغکی وجود داشت که اصطلاحاً لوندی خوانده می‌شد. در اجتماع هندوها، لوندی‌ها عموماً به دختران زیبارو و معمولاً هندو اطلاق می‌شد که همچون برده به منظور لذت‌جویی جنسی به مسلمانان فروخته می‌شدند.

Buchanan, *An Account of the District of Shahabab in 1812-13*, p. 165-66 and, *An Account of the District of Purnea in 1812-13*, p. 160-163.

مولی‌زاد را بوچانان به معنی بردگان زراعی آورده است اما به‌طور کلی، به طبقات متمایز بردگان در اجتماع مسلمانان گفته می‌شد. Datta, p. 68.

۱ اگرچه بهره‌جویی از زنان برده در هر دو جماعت مسلمان و هندو به یک هدف بود، در رسوم اسلامی تأکیدات بیشتری در تعیین حدود و ثغور برده و فرد آزاد دیده می‌شود. در اجتماع مسلمانان برای احسان، توانایی و قوانین شرعی «آزادکردن برده (فکت رقیبه)» وجود داشت. در مقابل در جوامع هندو، همان‌گونه که دتا می‌نویسد، امکان آزادی برده با پرداخت مبلغی ناممکن بود.

Romesh Chunder Dutta (1980), *Ancient India (2000 B.C.- 800 A.D.): Epochs of Indian History*, Delhi: Butala, p. 16.

۲ برای مثال، از میان پانزده نوع بردگان به رسمیت‌یافته توسط واضعان حقوق هندو، یکی از آن‌ها شامل نوزادانی بود که در خانه به دنیا می‌آمدند.

Dady Rustomji Banaji (1933), *Slavery in British India*, Bombay: D. B. Taraporevala Sons & Co, p. 38.

۳ Gola.

۴ Das.

۵ Bhil.

۶ نوزادان گُلی یا داسی (زنان برده) نیز قاعده‌تاً برده محسوب می‌شدند. گُلی‌ها اغلب به حرم اشراف راجپوت به‌عنوان صیغکان برده می‌شد و پس از مدتی با پرداخت مبلغی به والدین یا شوهرانشان بازگردانیده می‌شدند. Suri, pp. 48-49. گلاها، فرزندان این بردگان، هیچگونه رتبه یا اعتبار قانونی در حکومت نداشتند. فرزندان این زنان برده طبق گروه مادر تباری، طبقه‌بندی و برده محسوب می‌شدند و با توجه به مزیت یا نابرابری‌های عرفی کاست، شکلی از کاست خودشان را تشکیل می‌دادند که جدای از برچسب‌های اجتماعی بود.

K. M. Ashraf (1970), *Life and Conditions of the People of Hindustan*, New Delhi: Munshiram Manoharlal, 2nd ed, p. 104. Cites; Tod, James, *Annals and Antiquities of Rajasthan*, ed. by W. Crook.

به‌طور خاص در نظام بیکاره بنگال اتفاق می‌افتاد.^۱ بعضی مورخان این عمل را مرتبط با «مردان فقیر کولین» می‌دانند.^۲

همچنین در تحقیقات فرانسویس بوچانن در شاه‌آباد از مسلمانانی در بیهار نام برده می‌شود که ملنزاده خوانده می‌شدند. آن‌ها در شرایطی مشابه با خانزاد قرار داشتند.^۳

در اسناد پیش‌رو هیچ‌گونه اشاره مستقیمی به منابع دست‌یابی بردگان در برده‌داری خانگی نشده است. و اشکال بازتولید بندگان در قالب نهادی ویژه آن‌گونه که در بالا ذکر شد، دیده نمی‌شود. ما فقط شاهد انتقال زنان برده‌ای هستیم که از طریق والدین یا مالکان فروخته می‌شوند. با توجه به شیوه انتقال، می‌توان فروش بندگان را ناشی از فشار برای بازپرداخت دیون، قروض، از گرو در آوردن رهن و از این قبیل مسائل دانست. همچنین نباید بحران‌هایی همچون، قحطی و سیل که شرایط ویژه‌ای برای فروش برده به وجود می‌آورد را از نظر دور داشت. به‌هرروی در این مجموعه اسناد افراد آزاد به اشکال گوناگون در قالب قباله‌جات تجاری و قباله‌جات غیرتجاری وارد جمعیت بندگان خانگی می‌شد.

۱ بیکاره شخصی است که با چندین برده - زن ازدواج می‌کند، و فرزندان به‌دنیا آمده همچون دارایی صاحبشان محسوب می‌شود. به‌عبارتی، مالک تدارک ازدواج شماری از زنان برده را با بیکاره، مردی به‌عنوان «همسر دیداری» را فراهم می‌کند. مرد مذکور با هیچ یک از همسران برای همیشه درکنارش قرار نمی‌گرفت و فرزندان به‌دنیا آمده از هر کدام دارایی قابل‌فروش صاحبش بود؛ Caplan, pp. 185-184.

چنین ازدواجی پونیواه سادی (punewah shadee) نامیده می‌شد. تحت این تدارکات، داماد، بعد از مراسم، شبی با عروس برده به‌سر می‌برد. سپس از او جدا می‌شد و عموماً مرسوم نبود که تا بعد از نخستین زایمان فرا خوانده شود. در قبال آن، بیکاره غذا و انعام از هر ازدواج دریافت می‌کرد. موضوع این نوع تدارکات چنان‌که شاید بویاید فراهم کردن ازدواج بود در حالی که هنوز دختران برده در خانه صاحب نگه داشته می‌شدند و همه فرزندان متعلق به صاحب بود. شواهدی از این رسم در اکثر نقاط بنگال وجود داشت.

Chattopadhyay, Ibid, p. 38; He cites the evidence of R. H. Mytton, Magistrate of Sylhet, Appendix 1, R. L. C., Vol. II, pp. 11-12.

۲ کولینزم نهاد اجتماعی هندویی است که برتری مذهبی و اجتماعی بر دیگری را تصدیق می‌کرد. کولینزم در میان برهمنان رادا (Radha) و واریندا (Varenda) رایج بود. نظام کولینزم در تحول نهادی خود به عمل چند همسر (زن) گزینی در میان برهمنان کولینا (Kulina) انجامید. از سوی دیگر، از آنجایی که هندوها برده مزدوجشان را جداگانه نمی‌فروختند، نظام بیکاره مالکیت برده زن را تضمین می‌کرد.

3 Francis Buchanan (1986), *An Account of District of Shahabad in 1812-13*, New Delhi, reprint, p. 166. اصطلاح خانزاد به نوزادان زنان برده‌ای (به احتمال زیاد فرزند پسر) گفته می‌شد که از صاحب قانونی خود نبوده و نوزاد به‌دنیا آمده برده محسوب می‌شد. و اصطلاحاً در خانواده صاحب خانزاد به معنی زاده‌شده خوانده می‌شد.

سرجان ملکم در صفحه ۳۰۱ کتابش، تاریخ ایران، و چلز جیمز ویلسن در صفحه ۱۴۲ تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه به کاربرد این اصلاح در برخی از خانواده‌های ایرانی اشاره می‌کنند. زرگری‌نژاد، علی‌پور، همان، ص ۱۱؛ بررسی دقیق‌تر این مفهوم ممکن است نظام حقوقی حکام بر روابط برده‌داری خانگی را بیشتر بشکافد.

واکاوی اسناد بردگی الله‌آباد معرفی مجموعه اسناد الله‌آباد

این مجموعه اسناد شامل ۴۵ برگ قبالة خرید و فروش و به تعبیری فراگیرتر انتقال زنان برده می‌باشد که در اسناد ملی هند در دهلی (با شمارگان ارجاعی ۱/۲۳۸۲ تا ۵۶/۲۳۸۲) فهرست‌نویسی شده‌اند.^۱ قبالات مذکور بیانگر گونه اسناد نظام خانوادگی (اقتصادی - اجتماعی)، در برابر گونه اسناد رسمی (دیوان‌سالاری) است. برای واکاوی و تبیین برده‌داری خانگی به بررسی ۱۴ سند که از وضوح بیشتری برخوردارند، خواهیم پرداخت. دوره زمانی اسناد، شامل سراسر سده هیجدهم و نیمه نخست سده نوزدهم است. زمان ثبت تاریخ اسناد به استثنای دو سند براساس تعداد سال به سلطنت رسیدن امپراتوران تیموری سنه جلوس^۲ و تنظیم شده‌اند. تاریخ سند دو قبالة آخری که در زمان حکمرانی دو امپراتوری آخر تیموری، اکبرشاه دوم (۱۸۰۶-۱۸۳۷م) و بهادرشاه دوم (۱۸۳۷-۱۸۵۷م) به میلادی و هجری ذکر شده است؛ این امر شاید بیانگر چرخش زوال قدرت پیشینی امپراتوران تیموری و حضور استعمار بریتانیا باشد. زبان نوشتاری اسناد به استثنای یک مورد که به اردو نوشته شده (نک، ۲-۳) بقیه به زبان فارسی است، و در حاشیه برخی اسناد خطوط هندی (دیوانگری) و سیاق نیز دیده می‌شود.

تمامی اسناد در خصوص دختران برده و صیغگانی است که توسط والدین یا مالکشان در شهر الله‌آباد فروخته می‌شدند. اسناد ناظر به برده‌داری خانگی در این دوره و شیوه حق مالکیت بردگان و مناسبات شرعی است. خریداران اصلی بردگان زنانه، طوایف^۳ هستند که دختران برده را برای لذت‌جویی‌های جنسی و روسپی‌گری مهیا می‌کردند. پیش‌تر ذکر کرده بودیم که افزون‌بر به‌برده کشیدن غیراختیاری (مطلقاً، اسارت در جنگ)، برده‌داری همچنین در اشکال ارادی آن (مدنظر مقاله) نیز رخ می‌داد. از آن‌جا که صراحتاً دلایلی برای معاملات ذکر نشده است، اجباراً به ارائه پیش‌فرض‌هایی درباره شرایطی هستیم که افراد را به بردگی، خصوصاً به بردگی خانگی می‌کشاند. این امر شامل فروش انسان در مواجهه با نیازهای کسب درآمد و همین‌طور فروش در مواقع تنگدستی، خصوصاً در زمان قحطی و فقر بوده است.^۴ این فرضیه ما

1 Allahabad Documents, National Archives of India, New Delhi, Listed in the Descriptive list of acquired document (1356-1790 AD), Volume II and III. [Acc, no. 2381/1 to 2382/56].

2 Regnal year.

3 Zenana Tawaifs.

۴ منابع فارسی این دوره، همچون واقعات اظفیری علی‌بخت اظفیری و الحصن‌المتین سید عباس اردستانی، از خشکسالی ۱۷۸۴-۱۷۸۵م. در مناطق شمالی هند و فروش اشخاص برده سخن می‌گویند. در سندی مربوط به زمان فتح‌علی‌شاه به تاریخ ذی‌القعدة ۱۲۲۵ق، خانواده‌ای به قیمت سیصدوچهل تبریزی به یکی از امرای قاجار فروخته می‌شوند. نک: سید

را بر آن می‌دارد که شیوه برده‌داری در اسناد الله‌آباد را ذیل مؤلفه برده‌داری ارادی قرار دهیم.

برده‌داری ارادی

اختیار بردگی در موارد خاصی همچون فقر (به‌عنوان عامل اصلی) در پی قحطی و خشکسالی پدیدار می‌شد و درصد بسیار کمی از بردگان را تشکیل می‌داد. در چندین اسناد بدست‌آمده درباره برده‌داری اواخر سده هیجدهم و اوایل سده نوزدهم میلادی آمده است که فرد خود را برای مدت مدیدی به بندگی/بردگی مرد ثروتمند هم‌روستایی‌اش می‌فروشد.^۱ چتوپادهیای در کتابش به قحطی ۱۷۷۰م. بنگال اشاره می‌کند که بسیاری از مردم گرسنه خود و فرزندانشان را فقط «برای حفظ جانشان» می‌فروختند. نمونه‌ای از این دست اسناد در مقاله پاشپا پراساد نیز آورده شده است.^۲ اعضای هیئت حقوقی دولت بریتانیا در گزارش ۱۸۴۱م. اظهار می‌دارند: «فروش فرزندان زنان آزاد توسط والدین، و دختران برده توسط مالکشان برای روسپی‌گری بسیار رایج است؛ هرچند غیراخلاقی و مایه رسوایی است. این امر در حالی صورت می‌گیرد که در حقوق کهن [این] سرزمین برده‌ای فروخته نخواهد شد مگر با «کوبولا»^۳ (مقبولیت یا سند قراردادی) که قاضی تصدیق کرده باشد، و مکان منزل فرزند، نام والدین، نام فروشنده و خریدار و توصیفی از اشخاص قید شود».^۴

نکته دیگر وجه شرعی بودن این نوع قراردادها است. حتی اگر تحت قوانین حقوقی، فرد آزادی به هر دلیلی (محنت قحطی، یا به‌دلیل ناتوانی در پرداخت دیونش) به فروش خودخواسته‌ای دست زند، مطابق شرع اسلامی کاملاً غیر مشروع بود. در واقع شکلی از بردگی یعنی عمل فروش فرزندان توسط والدین یا فروش ارادی اشخاص، دقیقاً در مقابل قاعده استرقاق (به برده گرفتن) که طبق آن هیچ مرد آزادی ممکن نبود به مالکیت مرد دیگری درآید؛ مگر در مواقع جنگ.^۵

محمدباقر عمادی (بهار ۱۳۸۹)، «یک سند تاریخی از سال ۱۲۲۵ق در باره فروش برده»، پیام بهارستان، دوره ۲، س ۲، ش ۷، صص ۱۰۷۳-۱۰۷۵.

۱ موضوعی که مختص این دوره نبوده و در دوره‌های مختلف توسط تاریخ‌نویسان ثبت شده است. مورخ سده چهاردهم، برنی، از فروش فرزندان برای بردگی به‌دلیل فقر در دوره حکومت علاالدین خلجی می‌نویسد؛ Barani, Taikh-i Firuzshahi, p. 340; as cited by Kidwai, p. 88.

2 See, Pushpa Prasa (1988-9), 'Female Slavery in Thirteenth Century Gujarat Documents in the Lekhapaddhati', *Indian Historical Review*, Vol. 15, No. 5L2, p. 273.

3 Cawbowla.

4 Report cited D.R. Banaji, pp. 52-53.

۵ ظاهراً تحت فشار خریداران برده بوده است که برخی از عالمان آگرا، مانند مفتی بهاء‌الدین، فتوایی در قحطی ۱۵۵۶-۱۵۵۷م.

انتقال افراد تحت عناوین اسنادی گوناگونی از قبیل: برده‌فروشی، مُچلکه^۱ (مقاطع‌نامه، تعهدنامه)، رضنامه، فروخت‌نامه (قبالة فروش)، تمسک (دست‌نوشت، تعهد، التزام)، لادعوی (ترک دعوی)، بیع‌نامه (فروش معامله)، دست‌آویز (دست‌نوشت)، بخشش‌نامه، معافی‌نامه (معافیت مالیاتی)، هبه‌نامه و نکاح‌نامه (قبالة برده - ازدواج) تنظیم می‌شدند. این عناوین در واقع، ناظر به زمینه‌های متفاوت تفسیر حقوقی و فقهی، راه‌گیری برای به‌برده‌کشیدن افراد، و یا توجیه جنبه‌های اخلاقی این عمل بود. همچنین در بازخوانی این مجموعه اسناد ذیل مولفهٔ برده-داری ارادی، ممکن است بردگی در دو مقولهٔ ۱. معاملات تجاری؛ شامل: بازار-بردگی، بردگی جنسی، بردگی مقاطعه‌ای - اجاره‌ای؛ ۲. معاملات غیر تجاری؛ شامل: بردگی - هبه‌ای، بردگی وراثتی، نکاح - بردگی، بردگی در الفاظ خویشاوندی وارد نظام برده‌داری خانگی شوند.

۱. قبالات تجاری

۱.۱. بازار-بردگی

بازار بر اساس نیاز گروه‌های متشکله تقسیم می‌شود و در پی آن هر رسته، تنظیم بازار خود را برای تحقق گردش‌های چندگانه درآمدهای مالی پی می‌ریزد. در فروش برده‌ای در بازار، سند لادعوی^۲ می‌خوانیم:

«منکه پراسرام ولد کنکارام قوم گدجی ساکن سیسوان مدارپور ام چون دیبا
چھو کری^۳ خود را در بازار بقیمت یکروپیه بدست مسماء^۴ بخوشی و رغبت خود

صادر کردند که اجازه چنین عملی را می‌داد. بدآؤنی در *نجات‌الرشید* (۱۵۹۰-۱۵۹۱ م.)، نتیجه می‌گیرد یکی از اعمال شیطانی که در میان مسلمانان، خصوصاً در هند، بیشتر از دیگر پیروان ادیان دیده می‌شود، فروش پیوستهٔ بندگان آزاد به‌عنوان برده است. تا بدان جا که خدا را شکر می‌کند، در زمان‌های اخیر «این عمل تا حدودی رها شده است». Badauni, *Najatur Rashid*, p. 140. as cited by Ali, p. 140.

وقتی که کتابش را دربارهٔ اصول اخلاق می‌نوشت «فروکش کرده» بود.

Abdul Qadir Badauni (1972), *Njatur Rashid*, ed. A. Moinul Haq, Lahore: pp. 139-240; as cited by Shireen Moosvi (2005), 'Domestic Service in Precolonial India; Bondage, Caste and Market', *Processing India History Council*, Delhi; 65th session. p. 572.

اکبرشاه در قحطی ۱۵۹۴ م. فرمان داد تا والدینی که فرزندان‌شان را به زور فروختند، می‌تواند با پرداخت مبلغی به خریدار، فرزند خود را بازپس گیرند. با توجه شرایط اجتماعی، شاید بتوان حدس زد که این امر به‌احتمالی شامل کسانی می‌شده که فرزندان‌شان به اجبار به مذهب دیگر در می‌آمدند.

Badauni, *Muntakhab-ul Tawarikh*, II, p.399, as cited by Ali, p. 140.

1 Muchalka.

2 NAI, no.2382/18.

فروختن هیچ حيله بعنان [؟]^۲ نداده بنابراین اینچند کلمه بطریق لادعوی نوشته دادیم که عندالحاجت بکاراید تحریر فی التاریخ ده شهر ربیع اول سنه ۵»^۳.

در این سند هیچ اشاره‌ای به خریدار نشده است و فروشنده، خدمتکار خود را مستقیماً در بازار می‌فروشد؛ اما با توجه به اسناد دیگری از همین مجموعه که جزئیات بیشتری را برملا می‌سازند، می‌توان شبکه‌ای از نقل و انتقالات تجاری یافت که بیانگر روابط بین مراکز قدرت و بازار - برده است. اصطلاحات هندی به کار رفته در اسناد به ارتباط پیچیده بازار با مقامات رسمی و نیمه‌رسمی و شاهدان از پیش معین اشاره می‌کند. سازوکار رسته‌های بازار، با رهبری سرگروه‌های هر دسته قوام می‌یافت. چهودری^۴ ها و کوتوال^۵ ها و محله‌دار^۶ ها که نمایندگان و ناظران رسمی محلات شهری بودند، با تدارکاتچی اصلی گروه‌ها در انتقال و برآوردن سایر نیازهای رسته (در این اسناد، گروه خاصی از زنان و دختران جوان که خریداری و اجاره می‌شدند) در یک کلیت قرار می‌گیرند؛ بازتابی از شبکه ارتباطی بین ایشان.^۷ آن‌ها بسیاری از اسناد را به‌عنوان شاهدان تصدیق می‌کردند. در نمونه‌ای دیگر، سند فروخت‌نامه (ش. ۹/۲۳۸۲)، قید شده است:

«منکه مسماء ریشمی قوم افغان ساکن شهر ربو آم کسیمان دختر خود را بقیمت سی روپیه بدست ملایم دعاگوی چکله^۸ اردوی معلی^۹ فروخته در مذکور وصول نموده در تصرف خود در اوردم اقرار مینمایم اگر کسی دعوی نماید نشان کنم بنابراین اینچند کلمه بطریق فروخت‌نامه نوشته شد که عندالحاجت سند باشد تحریر

۱ Musammat در هند، به‌عنوان پسوندی برای خطاب به زنان به‌کار می‌رود؛ به معنی خانم یا بانو.

Francis Joseph Steingass (1892), *A Comprehensive Persian-English dictionary, including the Arabic words and phrases to be met with in Persian literature*. London: Routledge & K. Paul, p. 1239.

۲ استفاده از [؟] بعد از واژه‌ای، به معنای تردید در خواندن صحیح واژه پیشین است.

۳ در بازنویسی اسناد هیچگونه تغییر ویرایشی صورت نمی‌گیرد. موارد استثنایی در درون □ آورده خواهد شد.

۴ Chhodhri. تَبَات

۵ Kotwal: حاکم صلحیه/ قاضی دادگاه جنحه/ دادرس؛ Steingass, p. 1058.

۶ Mahalla-dar: مأمور انتظام زیر نظر کوتوال؛ Steingass, p. 1190.

۷ کریستوفر بیلی می‌نویسد کوتوال‌ها مقام اصلی کارگزاران شهرهای شمالی هند در اواخر دوره تیموریان بودند و قاضی، مسئول اصلی ثبت و همچنین ناظر نوعی از بریده‌گزینی (سانسور) اخلاقیات بود. این مقامات در پیوند با فردی که مفتی نامیده می‌شد قرار می‌گرفتند. او نماینده کمتر رسمی/حکومتی اعتقادات مسلمانان در شهرها بودند و پیوندی با علما داشت. C. A. Bayly (1983), *Rulers, Townsmen and Bazaars; North Indian Society in the Age of British Expansion 1770-1870*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 308.

۸ Chakla: دارنده صلاحیت حوزه قضایی (فوجداری)؛ Steingass, p. 379.

۹ Urdu' i mualla: چادرگاه سلطنتی دربار.

شانزدهم رجب سنه ۱۲».

سند همراه با علامت دستخط مسماء ریشمی است. واضح است که این سند بر اساس بحث محوری روسپی‌گری بردگان تنظیم شده است. (نک: ۱-۳ و ۲-۲) در سندی دیگر که به طریق مُچَلکه^۱ تنظیم شده است، یکی از دو شاهد سند صاحب‌منصب محله‌داری است (نک: بالا):

«منکه خنو شیخزادی‌ام چون یک کنیزک خانه خود بدست چندا طوائف بقیمت مبلغ هفت رویه فروخته‌ام اگر کسی دعوی کند یا ما دعوی بکنم باطل گردد بنابراین اینچند کلمه بطریق مُچَلکه نوشته نوشته [تکرار می‌گردد] داده شد که وقت حاجت بکارآید تحریر فی‌التاریخ بیست‌هفتم شهر ذی‌قعدة جلوس سنه ۶ [۱۳۷ق. / ۱۷۲۵م.]»^۲.

۲.۱. بردگی مقاطعه‌ای - اجاره‌ای

یکی از عواملی که تقریباً همیشه، شخص را به بردگی می‌کشاند، موضوع بدهی است. فرد در قبال پرداخت مبلغی خود یا خانواده‌اش را برای مدتی کوتاه یا طولانی به بردگی می‌سپرد. در این مورد، در سند ورقه/جاره^۳ که کامل‌ترین سند از نظر حقوقی و شرعی در این مجموعه است، نوشته شده:

«اصرار معترف [؟] صحیح شرعی نموده مسمی بهوانی پرشاد قوم برهمن ساکن محله ... روغن فروش ... الله‌آباد و مسماء پیچا زوجه‌اش [؟] ساکن الله‌آباد متصل سرای کُده‌ایم در حالت صحت نفس ... و ... نفاذ شرعیه خودها طالباً ادعناً بلدا [؟] کرده و اجاره بدین وصیه که دختران مهراجیه و کسیمیما [؟]، سه ساله و پنج ساله خودها را بمبلغ صد رویه کلدار^۴ فرخ‌آبادی سنه ۴۵ [؟] که نصف مته [؟] ... مبلغ پنججاه به‌مدت [؟] هفتاد سال بدست جمن طوائف ، ساکن الله‌آباد، اجاره دادم و برضای

۱ Muchalka: به معنی نوشته دست‌آویز می‌باشد. و شخصی که این کار را انجام می‌داد، مُچَلکاجی (muchalkaji) خوانده می‌شد؛ Steingass, p. 1180؛ این قباله یکی از دو سندی از این مجموعه است که با اصطلاحی کاملاً هندی نام برده شده است؛ NAI, no.2382/7.

۲ تبدیل تاریخ از «سنه جلوس والا» به میلادی و قمری در داخل کروشه [] از نگارنده است که در برخی اسناد اضافه شده است.

3 NAI, no.2382/54.

۴ استفاده از سه نقطه، به معنای ناخوانا بودن هریک از واژگان در اسناد است. در بازنویسی اسناد سعی شده شیوه املائی و رسم‌الخط سند اصلی بدون اضافاتی حفظ شود.

۵ به معنی کنگره‌دار.

رغبت خود مساماة مذکور را بمستأجر مذبور [؟] تسلیم نموده و مبلغ مرقوم را تمام و کمال از مستأجر مذکور وصول یافتیم و قبض تصرف خود درآوردیم و مستأجر مذکور بی [؟] اجاره مسماة موجره مذبور بهوانی پرشاد و مسماة بیچا مرهونه بعوض مبلغ مذبور قبول نموده اقرار کرده که به تسلیم موجره مذکور مسماة بطریق اجاره به قبض و تصرف خود درآوردیم ... اقرار کرده که تا مدت هفتاد سال مذکور بوجه من الوجوه از تسبن من السمات [؟] خود رها برنگردم ... اجاره نه مینمایم اگر احتمالاً از اقرار خود بر گردم و اراده اجاره مسماة نمایم باطل و نامشروع باشد ... شرع شریف پرکنه سرکار حاکم وقت باشم بنابراین اینچند کلمه بطریق ورقه [؟] اجاره نوشته داده شد که عندالحاجت سند باشد تحریر فی التاریخ اگست سنه ۱۸۱۲ جلوس مطابق با چهاردهم شعبان سنه ۱۲۲۱»^۱

۳.۱. بردگی جنسی (زنانه طوایف)

پیشتر از سند ش. ۷/۲۳۸۲ به دلایلی نام بردیم. (نک، ۱-۱) وجه دیگر این سند به خریداران خاص اشاره می‌کند. خنو شیخ‌زادی یکی از «کنیزک خانه خود» را به چندا طوایف به مبلغ هفت روپیه می‌فروشد. اصطلاح طوایف اشاره به رسته‌ای خاص از خریداران مرتبط با گردآوری و نگه‌داری دخترانی برای آموزش رقص و روسپی‌گری در اماکن زنانه طوایف است. اکثر آن‌ها بیوه بودند، و زنانی که در درون این کاست به دنیا می‌آمدند، پیش‌تر مواقع به دختران رقاصه و روسپی بدل می‌شدند. مطابق آمارگیری ۱۸۹۱م. مناطق ایالت شمال‌غربی و اُرد بریتانیا، آن‌ها اصالتاً از کاست هندوی طبقه پایین بودند که به دلایل حمایت‌های حقوقی در مقیاسی وسیع، شیعه می‌شدند؛ تا آنجا که ۸۵ درصد آن‌ها شیعه ثبت شدند. از آن‌جا که در شرع شیعی، ازدواج موقت (متعه) مجاز دانسته می‌شد، این نهاد با پذیرش تشیع از حمایت حقوقی محدود برخوردار می‌شد که در نوع روسپی‌گری عادی وجود نداشت.^۲ تشیع همچنین پیوندی هویتی با طبقات دارا که از روسپیان حمایت و بهره‌برداری می‌کردند، برقرار می‌کرد. در مناطق روستایی زمینداران، اغلب زمین‌هایی را به دختران رقاص و روسپیان مسلمان

۱ یکی از دو سندی که تاریخ آن به میلادی و قمری آمده است (تحت نفوذ استعمار بریتانیا).

۲ به نقل از: Gazetteer of the Province of Oudh 2. 395-96; Ctooke, Tribes and Castes 4. 364-371.

این شکل از روسپی‌گری همچنین در خارج از اُرد نیز پدیدار شد، بسیاری از صیغکان در لاهور تشیع را ترجیح می‌دادند. نک: Prakash Tandon (1961), *Punsabi Century, 1857-1947* (Berkeley and Los Angeles: Univ. of California Press, pp. 188-189).

در: Cole (1989), *Ibid*, pp. 87-88.

اختصاص دادند.^۱ در این گونه اسناد، آنان از خریداران عمدهٔ فرزندان آزاد والدین و دیگران هستند. این رسم به‌طور گسترده‌ای در دیگر نقاط هند از جمله راجستان نیز رایج بود.^۲ (۱۷) در این خصوص، در سند *رضانامه* (۱۲/۲۳۸۲) می‌خوانیم: «دو کنیز عارفه و جمیا را بخوشی و خاطر به سوبها طوایف بخشیدیم و در ملک او متاج گردانیدیم ما را از این کنیزها هیچ دعوی نمانده بطریق رضانامه نوشته داده شد».

سجح مهر محمد سرور (محمد سرور هر دو جهان است) به‌عنوان هبه‌کننده مهر شده است. فروشنده فقط از عنوان کنیز استفاده می‌کند بدون این که رابطهٔ واقعی با او مشخص باشد. شاید اصطلاحات خویشی به‌کاررفته در این گونه اسناد نشان‌دهندهٔ منبع نامعلوم آن که عموماً کودکانی دزدیده شده بودند باشد (نک: ۲-۲). این گروه در دیگر اسناد این مجموعه نیز حضور دارند. در نمونه‌ای جالب از این مجموعه ما شاهد خریدار و فروشنده یکسانی هستیم که دختر-برده‌ای را دوبار قرارداد می‌بندند. در سند نخست با عنوان چینه برده‌فروشی،^۳ نوشته شده است:

«چون یک اسامی کنیزک باسم پیچینا بعمر نهه [نه] ساله جادی طوایف ساکن الله‌آباد نزد همت‌خان ولد جعفرخان افغان سکن ملک پور عمده پرکنه کوره بقیمت ده رویه عالمگیری ... موافق ضابطهٔ چپوتره کوتوالی بلد(؟) اله‌آباد در عمل ... کوتوال برده ساخت [؟] ماند که کسی مزاحم نشود. تحریر فی‌التاریخ ششم شهر ربیع‌الاول سنه احد جلوس والا [برابر با ۱۱۶۱ ق. ۱۷۴۸ م.]»

سند همراه با مهر و گواه و نیز حاشیه‌ای به خط هندی (دوانگری) است. ارتباط صاحب‌منصبان شهری و خریداران طوایف و بازار قابل توجه است. (نک: ۱-۱) بار دیگر در سند دوم، به‌صورت دست‌آویز،^۴ نوشته شده:

۱ به نقل از:

Donald Butter (1839) *Outlines of the Topography and Statistics of the Southern Districts of Oud'h and the Cantonment of Sultanpur-Oud'h* (Calcutta) Bengal Military Orphan Press, pp. 153-54, in Cole (1989), p. 88.

۲ اصطلاحاتی مانند پتور (Patur)ها و بهگتان (Bhagtan) در اسناد جودپور بهیات (Jodhpur Bahiyat) در تشابه با جایگاه طوایف قرار می‌گیرد. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها به‌عنوان روسپی‌گران حرفه‌ای تربیت می‌شدند. شاشی آرورا می‌نویسد شمار بسیاری از خدمتکاران و نزدیکان راه‌سَهیلی (Saheli)ها، خواص، و دَوادی (Davadi)ها که در مکان زنانه دیودهی (Zenana Dyodhi)ها می‌مانند، تشکیل می‌دادند. زنانه دیودی اندرونی‌ترین بخش مرکزی خانوار اشرافی، زواله (Ravala)ها، در دوره میانهٔ راجستان را شکل می‌داد.

Shashi Arora (2005), 'Dancing Girls in 18th Century Rajasthan', *Proceedings - Indian History Congress*, Delhi: Indian History Congress, Vol. 65, p.p. 324-328. [Kapada r Kothar ri Bahi, No. 59, Pushtak Prakash, Report Muramshumari Raj Marwar, 1891 A. D., Jodhpur, 1896, pp. 379-80].

3 NAI, no.2382/33.

4 NAI, no.2382/39.

«منکه همت‌خان افغان ولد جعفرخان قوم افغان ساکن مالکپور پرکنه کوره‌ایم چون یک کنیزک نامه پیچینه بعمرنه سه ساله بقبول مبلغ ده روپیه عالمگیری بدست زادی توایف فروخته‌ایم و اقرار مینمایم... بالحال کسی دعوی کند باطل گردد بنابراین اینچند کلمه بطریق دست‌آویز نوشته داده شد که وقت حاجت بکار آید تحریر فی‌التاریخ ششم سنه احد جلوس والا [برابر با ۱۱۶۱ ق. ۱۷۴۸ م.]»

در حاشیه سند علامت دستخط مشارالیه و سه گواه دیده می‌شود. دلیلی برای دو قرارداد یکسان ذکر نشده است. فقط می‌توان حدس زد که قبالة نخست جنبه رسمی داشته و موافق ضابطه کوتوالی تصدیق شده است، و قبالة دوم کارکردی غیررسمی داشته است و برای استفاده بین شخصی تنظیم شده است. شکل دیگری از استفاده‌های جنسی در قالب نکاح - بردگی می‌افتاد. (نک: ۲-۳).

۲. قبالات غیرتجاری

۱.۲. هبه - بردگی

در تقابل با قبالات تجاری ما با اسنادی با عنوان بخشش‌نامه و هبه در شرایط غیرتجاری آن روبرو می‌شویم. بیشتر مواقع، بردگان در شرایط غیرتجاری انتقال داده می‌شدند. چترجی می‌نویسد: «هدیه استعاری ذیل عنوان دختر» موضوعی است که باید در آن تجدیدنظر کرد.^۱ هدیه بردگان جوان شاخصه رسمی سیاسی و زندگی اقتصادی بود که روابط سیاسی از طریق هدایایی میانجی‌گری می‌شد. این امر ممکن بود در اشکال متفاوتی اتفاق افتد. آشناترین آن شکست در جنگ بود، اما شکل متناوب چنین «هدایا» بی‌مناظر گرفتن امتیاز انحصاری از گیرنده هبه تقدیم می‌شد. برای مثال، در سند با عنوان چپنه/چپنه برده‌فروشی،^۲ در قبال معافیت از محصول (مالیات) می‌خوانیم:

«چون یک اسامی کنیزک باسم وهنا بعمرنه پنج ساله جواز راز/نقر [؟] مهرها یکی به بینا هرکنی بخشیده ... محصول ان باعث بخشش نامه در عمل ... کوتوالی چپوتره شهر الله‌آباد نوشته ساخت [؟] تحریر فی‌التاریخ دوم شهرشوال سنه ۶ [۱۱۴۱ ق. ۱۷۲۸ م.]».

1 Chatterjee, *Gender, Slavery and Colonial India*, p. 23.

۲ Chittah/Chitta: واژه‌ای هندی به معنی یوزشکاری یا مقیاس ارضی است. در اینجا شاید منظور برکه/نامه یا یادداشتی است که همراه سند فرستاده می‌شد و دلیل آن ارسال اسناد و مطالب دیگر درج می‌گردید؛ NAI, no.2382/21.

در این قبالة محمدجعفر حاکم صلیحه^۱ شهر الله‌آباد سلهو خان را از پرداخت محصول (مالیات) معاف می‌کند. مطالبی در حاشیه سند به خط هندی (دوانگری) نوشته شده است. سند با سجع مهر کوتوال (ز عبد/عیب[؟]) محمدجعفر دارد امید شفا) و دو گواه تصدیق می‌یابد. هرچند دلیل اصلی برای معافیت در این سند قید نشده است، می‌توان بر اساس دانسته‌های ما از لایه‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی پشت صحنهٔ این هبه مواردی مفروض شد. از آن‌جا که شکلی از نمایش قدرت بر اشخاص صراحتاً مرتبط با دریافت هدایا دیده می‌شود، جایگاه وصول‌کننده بالفعل تابع و فرودست می‌باشد. چندین اسناد از این مجموعه دربارهٔ این شرایط بر جای مانده است که به مناسبت‌هایی، معافیت‌های مالیاتی را دربر دارد، و شاید وقتی اتفاق می‌افتاد که خریدار برده، مرتبط به دستگاه نیروی اداری بوده باشد. در سندی مشابه، چپه معافی^۲ که با مهر محمدجعفر، کوتوال الله‌آباد مهر شده و دارای حاشیه‌ای به خط هندی (دوانگری) است، می‌خوانیم:

«عمله و فعله چپوتره کوتوالی بلده الله‌آباد بدانند چون یکنفر چهو کوری چندو والده موتی طوایف که در سرکار حالصاحب[؟] سلیم بیکخان ... خرید نموده محصول چپوتره کوتوالی ... حالصاحب معاف نموده شد باید که احدی مزاحمت نکنند تحریر فی التاریخ شانزدهم شهر شعبان سنه ۶ جلوس والا [۱۱۴۱ق. ۱۷۲۸م]».

۲.۲. بردگی در لوای الفاظ خویشاوندی

در این‌گونه اسناد واژه به‌کاررفته برای بردگان بیشتر مواقع از نوع اصطلاحات خویشی است. مالکان برده با چنین رفتاری، برده‌داری را در جایگاه نهاد خویشاوندی مشروعیت می‌بخشیدند. پیشینهٔ استفادهٔ اصطلاحات خویشاوندی در دورهٔ سلاطین دهلی و تیموریان هند ضمیمهٔ ارجاع قانونی جایگاه اجتماعی بردگان را موجب می‌شد.^۳ در بسیاری از اسناد الله‌آباد

1 Chabutra kotwali.

2 NAI, no, 2382/24.

3 Dharam Pal (1944), 'The Influence of the Slaves in the Muslim Administration of India' *Islamic Culture*, no. 18(reprint, London: reptint, 1971, pp.109-117.

در ۱۵۸۲، اکبرشاه دستور داد تا تغییر نامگذاری بردگان امپراتوری که از این پس چلاس خوانده می‌شدند را اعلام کنند. Irfan Habib (1992-1993), 'Akbar's Social Views: A study of their Evolution', *Indian History Congress*, 53rd session, p. 223.

در واقع، او همهٔ بردگانش را بدین طریق آزاد ساخت، هرچند آن‌ها همچنان در الترامش، به‌عنوان چلاوی (شاگردان/مردان) نگه داشته می‌شدند.

Abul Fazl (1873-1878), *Akbarnama*, Vol. III. Ed. Ahmad Ali, Calcutta, pp. 379-80; as cited by Moosvi, 'Domestic service in Precolonial India; Bondage, Caste and Market', p. 558.

ما با اصطلاحاتی همچون چپوکری (خدمتکار بچه)، کنیز یا کنیزک^۱ (دختران برده یا صیغکان)، اسامی (خدمتکار) و داه (صیغک) روبه‌رو می‌شویم. در عین حال در دیگر قبایله جات فروشدگان شخص را با عنوان دختران خود نام برده و همزمان از اصطلاح «تحت مایملک» استفاده می‌کنند. (نک: به اسناد در ۱-۳) در سند رضانامه^۲ قید شده است:

«منکه مهتاب مسماء پیچو بن جادی شیخزادی چوهان ساکن کبسام ارضه و صیغه^۳ [؟] خود را برضای و رغبت پیش چند کس در شهر الله‌آباد بقیمت مبلغ دو روپیّه بدست ملایم بن چندابن جادی فروختیم و مبلغ مذکور در تحت و تصرف خود درآوردیم بنابراین اینچند کلمه بطریق رضانامه نوشته دادیم که عندالحاجت بکاراید فیالتاریخ بیستویک شهر رمضان المبارک سنه ۶ جلوس والا قلمی شد».

همان‌طور که اس. مایرز، و آی. کاپی‌تاف باور دارند، اسناد زیادی وجود دارد که به کارگیری بردگی را در پیوستاری از زنجیره خویشی متبادر می‌کند. به باور آن‌ها بردگی نوعی فرایند است تا این که رفته‌رفته در جایگاهی ثابت به صورت «اسارت» یا «مالکیت» قرار گیرد. در نتیجه بایستی با دیگر نهادهای «ادخالی» مانند؛ ازدواج، خواندگی، بدون انکار جنبه‌های انتفاعی آن بحث شود.^۴

۲.۳. نکاح - برده‌وارگی

نوع دیگری از بردگی هنگامی شکل می‌یافت که صاحبان با زنان برده خود تحت عنوان نکاح

نوابان بنگیش فرخ‌آباد نیز به بیش از چهار هزارتن از بردگان مرد عنوان طفل سرکار (فرزندان حکومت) دادند، درست به‌مانند *ماراتاها* که زنان دربند خود را راج‌پتی (دختران حکومت) می‌خواندند.

William Irvine, 'Bangash Nawabs of Farrukabad', *JASB*, 47,1, 1878, pp. 279-345; *The Army of the India Moghals: Its Organization and Administration* (London, 1903), p. 103, as cited by Chatterjee, *ibid*, p. 18.

این فرزندان حکومت (طفل سرکار) یا مریدان/شاگردان (چلاوس) که بعدها به این اسامی خوانده می‌شدند، متولدینی بودند از خانواده‌های مسلمان و راجپوت یا از نوزادان صیغکان بسیار. آن‌ها در بسیاری از حرم‌خاندان حاکم پرورش می‌یافتند و با دستور صاحب امکاناتی در اختیار ایشان قرار می‌گرفت و ازدواج می‌کردند؛ Bayly, p. 119.

۱ در وهله اول، به نظر می‌رسد بین کنیز و کنیزک تفاوت معنایی وجود نداشته باشد و کنیزک شکل مصغر کنیز باشد. اما در برخی کتب همچون *فوائدالغواد* گفت‌وگوی حسن‌سجزی با صوفی مشهور نظام‌الدین اولیا، کنیز به معنای برده خدمتکار آمده و نه صیغک. در مقابل در *تاریخ فیروزشاهی* برنی کنیزک برای هر دو منظور به کار برده است. به نقل از شیرین موسوی، همان، ص ۵۵۲.

2 NAI, no.2382/8.

۳ به معنی دختر رضاعی.

4 Susanne Mires and Lgor Kopytoff (1977), 'African Slavery as an Institution of Marginality', Mires and Kopytoff eds., *Slavery in Africa: Historical and Anthropological Perspectives*, Unite State America: University Wisconsin Press, pp. 3-81.

در این جا، قسمی از ازدواج صوری) ازدواج می‌کردند. این امر مشخصاً در تباین با قوانین سنتی شرع اسلامی قرار داشت که ازدواج بین دو شخص آزاد و برده از هم منفک شده است. با وجود این در سده نوزدهم در بنگال و غرب هند، اصطلاح نکاح به ازدواج فرودستی‌ای مختص شد که حداقل در یک سو فرد برده بوده باشد.^۱ در مطالعات پژوهشگران این عرصه، کم‌تر درباره تمایزات محلی بین مفاهیم نکاح و شادی^۲ از منظر شرع متنی نکاح و متعه سخن گفته شده است. چترجی معتقد است در نیمه نخست سده نوزدهم، بار معنایی اصطلاحی مانند نکاح وارد روابط خویشی - بردگی شده است.^۳ در تنها قبالة برجای مانده به زبان اردو،^۴ سند نکاح‌نامه^۵ دقیقاً این شکل از بردگی را به وضوح آشکار می‌سازد. با توجه به تاریخ قید شده (۱۸۵۴ م.)، نظر فوق درباره بار معنایی جدید نکاح تصدیق‌پذیر است. در این سند آورده شده که ملری سه ساله به وسیله مادرش به مبلغ ده سکه به عبدالله فروخته می‌شود و پس از آن به ازدواج او در می‌آید. در نهایت، قبالة انتقال دختر به صورت نکاح‌نامه به طوایف دستخط داده می‌شود.

تمایز نظری بین «زن ازدواجی» و «زن برده» را می‌توان در قسمی از بردگی با عنوان نکاح - برده طبقه‌بندی کرد. زنان نکاحی برده، برای دوره‌ای کوتاه‌مدت و بلندمدت به صورت اجاره‌ای به بردگی در می‌آمدند. در این سند اگرچه دختر به نکاح ظاهری شخص در می‌آید؛ ولی در واقع، قسم توجیه‌شده‌ای از برده - صیغگی است که برای استفاده‌های جنسی بهره‌کشی می‌شد (نک: ۱-۳).^۶ آیا برده جنسی و برده - صیغگانی/نکاحی قابل تبدیل‌اند؟ رفع چنین ابهاماتی نیازمند بررسی منابع و اسناد بیش‌تری است.

1 Cahtterjee, Gender, *Slavery and Colonial India*, p. 27.

۲ در فارسی هندی، شادی اصطلاحی است که در عرف رایج و پذیرفته‌شده عموم جامعه به مراسم عروسی گفته می‌شود (نوعی از رسمیت‌یابی ازدواج). در حال حاضر نیز استنباط چنین مفهومی از نکاح در میان مسلمانان، در گفتگوی شفاهی نگارنده با بعضی آنان، تصدیق‌پذیر است (نوعی از ازدواج فرودست).

3 Cahtterjee, Gender, *Slavery and Colonial India*, p. 86.

۴ در این زمینه نگاه کنید به مقالات نگارنده در: مهرداد رمضان‌نیا (۱۳۹۱)، «جایگاه زبان و متون دینی فارسی در سده نوزدهم شبه‌قاره هند؛ خیزش اردو»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱، ش ۲، صص ۶۷-۸۱؛ مهرداد رمضان‌نیا (۱۳۸۹)، «فارسی از زبانی کلاسیک تا زبانی بیگانه: سیاست زبانی کمپانی هند شرقی در رویارویی با زبان فارسی در شبه‌قاره هند»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۱، ش ۲، صص ۵۵-۸۰.

5 NAI, no.2382/56.

۶ شاداب بانو به نمونه قرارداد نکاحی در کتاب سیاق‌نامه مربوط به سده هفدهم اشاره می‌کند؛ Bano, p. 317. همچنین، شیرین موسوی در مطالعه نکاح‌نامه جماعت بازرگانی سورت، در نیمه آغازین سده هفدهم، به موردی برمی‌خورد که در آن فردی از تملک یا در تصرف داشتن کنیزک یا داهای که به‌مانند صیغگی/ معشوقه رفتار می‌شد، منع شده است. Shireen Moosvi (2005), 'Travails of Mercantile Community: Aspects of Social Life at the Port of Surat (Earlier Half of the 17th Century)', *Proceedings - Indian History Congress*, Delhi: Indian History Congress, pp. 404-405.

۴.۲. بردگی موروثی

جدای از آداب هبه بردگان، این امکان وجود داشت پس از مرگ صاحب معاملات بردگی طبق وصیت، جنبه حقوقی و شرعی پیدا کند؛ بدین نحو، امکان انتقال برده یا نفی آن به مالک دیگری پدید می‌گشت. بردگی موروثی طبق حقوق فقهی و مذهبی انتقال داده می‌شد، و شکل غیرتجاری آن را به وجود می‌آورد. در یکی از این اسناد، به طریق دست‌آویز^۱ نوشته شده است:

«منکه سید لعل فرزند سید صالح ساکن محله بهادر گنج ام، چون دولتی کنیزک خود را بعوض مبلغ ۱۵ روپیه سکه عالمگیری که نصف آن هفت و نیم روپیه موصوفه باشد بدست سنجان خان فروختم و مبلغ مذکور در قبض و تصرف خود آورده و کنیزک مذکور به خان معرالله دادم اقرار مینمایم که اگر کسی از برادران و خویشان و فرزندان اینجانب دعوی دعوی [تکرار می‌شود] کنیزک بنماید در شرع شریف باطل شود بنابراین این چند کلمه بطریق دست‌آویز نوشته داده شد که عندالحاجت بکار آید. تحریر فی التاریخ سنه و ربیع الثانی سنه ۲۴ جلوس والا».

در سندی دیگر، چکله^۲ می‌خوانیم:

«من که جواهر درباری‌انم چون یک داه باسم روشن‌افزا بعمر سیزده ساله که از بنده بود بملازم بای^۳ انعام دادیم و بخشیدیم ثانیاً الحال بنده را و از وارثان بنده هیچ دعوی نیست و اگر دعوی نمایم باطل است بنابراین اینچند کلمه دست‌آویز چکله شد عندالحاجت سند باشد. تحریر فی التاریخ چهاردهم جمادی الثانی روز جمعه سنه ۱۱۷۶ جلوس والا قلمی گشت [؟]».

سند همراه با مهر است. هرچند در هر دو سند حق موروثی برده به وارثان نفی می‌شود، احتمالاً شرایط عکس آن رایج بود که وجود چنین تصدیقاتی در این دو سند تأکید می‌شود.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل اسناد راجع به برده‌داری خانگی در اواخر دوره تیموریان هند، می‌توان به نتایج

1 NAI, no.2382/31.

2 NAI, no.2382/48.

۳ Bay : پسوند بای به ناظران دختران رقاص (کنجانی) داده می‌شد.

Kalikinkar Datta (1978) *Survey of India's Economic Condition in the Eighteenth Century (1707-1813)*, New Delhi: Munshiram Manoharlal, 2nd reprinted. p. 68.

زیر رسید. در تعدادی از اسناد این دوره، تلاش شده تا هنجارهای دارایی خصوصی مطابق شرع و حقوق اسلامی معیارسازی و نظام‌مند شوند. از این رو این اسناد قراردادی، به‌عنوان مدرک، در اثبات موجودیت بردگان همچون اموال مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به واسطه این اسناد، ما می‌توانیم به تعریفی از برده‌داری برسیم که آشکارا اشاره به کالابودگی آن دارد. همچنین اسناد برده‌داری شکلی از بهره‌کشی را تصدیق می‌کنند که مورد استفاده تولیدات اقتصادی و درگیر در معاملات تجاری و همچنین مقاصد جنسی‌اند. بنابر این، آن‌ها مشمول روابط قدرت در درون جامعه اواخر دوره تیموری‌اند.

تمامی اسناد بررسی‌شده حول محور قراردادن مفاهیم خویشی مرتبط با بردگان اثبات می‌شود. استفاده از اصطلاحات خویشی، آشکارا برده‌داری را در لوای روابط خانوادگی و شخصی مشروعیت می‌بخشد. هرچند مالکان برده اغلب با وکالتشان به‌عنوان مالک حقوقی و ضمانت‌های اجرایی مذهبی به رسمیت شناخته می‌شدند؛ در واقع ممکن بود، قواعد مذهبی و ساختارهای اجتماعی هر دو جماعت هندو و مسلمان در این نوع نظام برده‌داری زیر پا گذارده شود، به‌خصوص در مواقع خاص از جمله قحطی؛ این امر کاملاً تناقض‌برانگیز است.

همچنین خارج از مراتب اشرافیت، در اسناد استخدام قابل‌توجه بردگان خدمتکار خانگی به‌وسیله دیگر گروه‌های طبقه متوسط مبرم است. برعکس خانواده‌های اشرافی که خدمتکاران برای وظایف خاصی به کار می‌گماردند، خدمتکاران مقامات پایین‌تر و مردم عادی نقش‌های متنوعی را به اجبار بر عهده می‌گرفتند. به کارگیری وسیع بردگان توسط طبقات میانی جامعه در مناطق شهری، پیوستگی صریحی با رشد شهرنشینی داشت.

نتیجه مهم دیگر، انتقال بردگان تحت لوای قوانین شرعی اسلامی برای هر دو جماعت هندو و مسلمان بود؛ این امر بیانگر پذیرفتگی حاکمیت رسمی (تیموریان هند) در مناسبات حقوقی است. به دیگر سخن این‌که: هرچند نظام برده‌داری در اسلام معیارسازی شده بود، در عمل، روش اعمال برده‌داری در این دوره، حاکی از این موضوع است که بین آن دو تباینی وجود دارد. درحالی‌که شرایط واقعی و نیازمندی‌های زندگی روزمره، مستلزم رفتار حقیقی با بردگان بود، و این‌که چگونه بردگان ممکن بود آزادی مشروطشان را برای بقا ضمانت ببخشند.

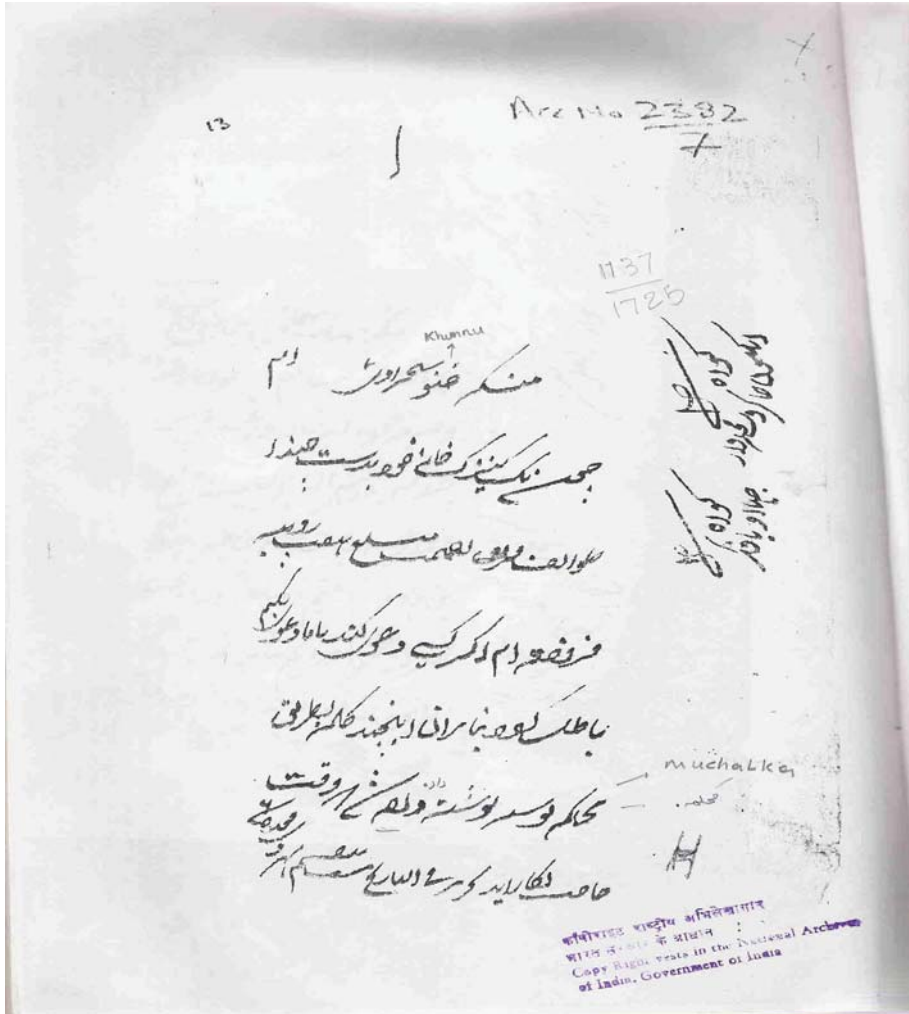
منابع و مآخذ

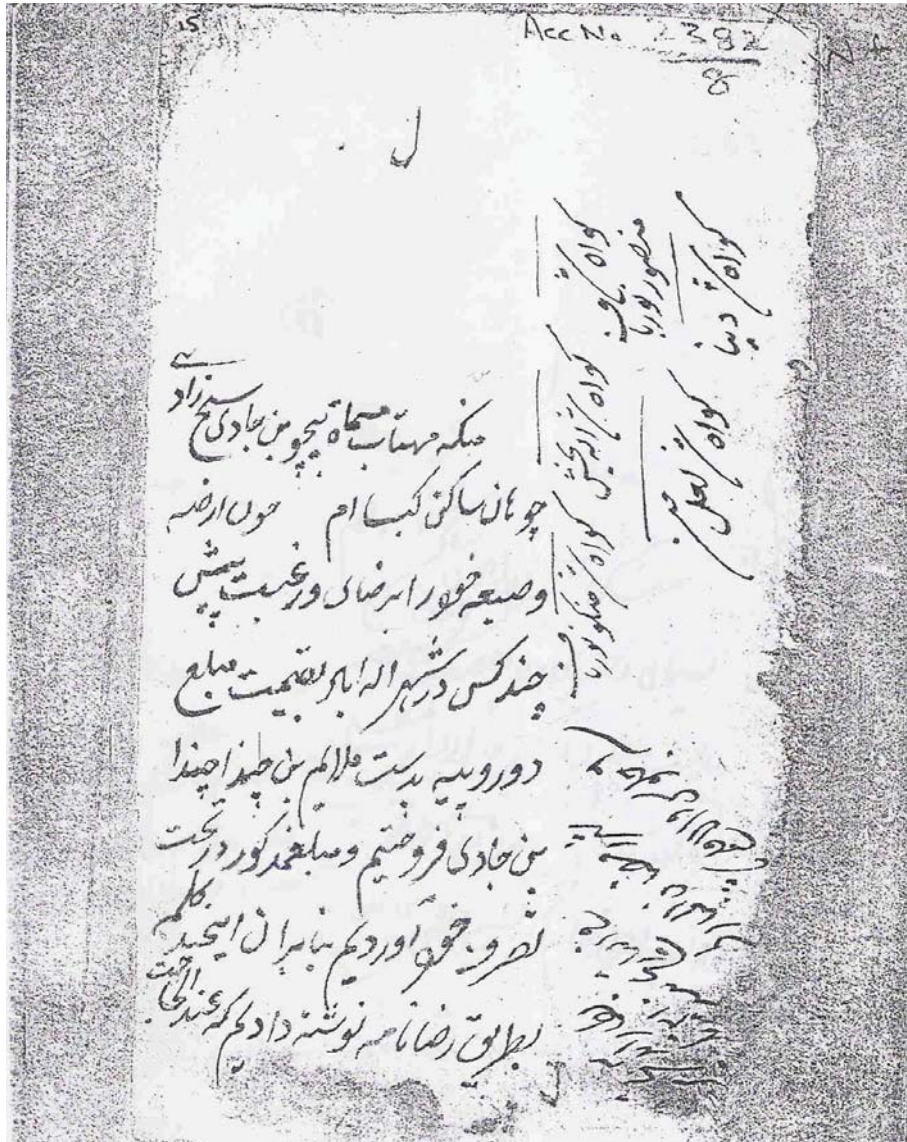
- صیدیه، سیمین (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، «سه سند آزادی‌نامه بردگان از دوره صفوی»، پیام بهارستان، دوره ۲، ش ۱ و ۲، صص ۱۶-۲۱.
- مصطفی ذاکری، مصطفی (۱۳۹۱)، «اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار»، گزارش میراث، س ۶، ش. ۵۲، صص ۹۸-۱۰۰.
- علیپور، نرگس (۱۳۹۰)، اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عمادی، سید محمدباقر (بهار ۱۳۸۹)، «یک سند تاریخی از سال ۱۲۲۵ق در باره فروش برده»، پیام بهارستان، دوره ۲، س ۲، ش ۷، صص ۱۰۷۳-۱۰۷۵.
- مارتین، وانسا (۱۳۸۲)، «توقف تجارت برده و اوضاع داخلی ایران»، تاریخ روابط خارجی، ترجمه ایرج وفایی، ش ۱۷، صص ۴۵-۴۸.
- نوایی، عبدالحسین (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، «اسنادی از خرید و فروش برده»، گنجینه اسناد، ش ۴۷-۴۸، صص ۴-۱۱.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۱)، کتابشناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره، ج ۲، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- Ali, M. Athar (2006), *Mughal India: Studies in Polity, Ideas, Society and Culture*, New Delhi: Oxford University Press.
- Arora, Shashi (2005), 'Dancing Girls in 18th Century Rajasthan', *Proceedings - Indian History Congress*, Delhi: Indian History Congress, Vol. 65
- Ashraf, K. M (1970), *Life and Conditions of the People of Hindustan*, New Delhi: Munshiram Manoharlal, 2nd edited.
- Banaji, Dady Rustoji (1933), *Slavery in British India*, Bombay: D. B. Taraporevala Sons & Co.
- Bano, Shadab (2005), 'Marriage and Concubinage in Mughal Imperial Family', *Proceedings - Indian History Congress*, Delhi: Indian History Congress, Vol. 65.
- Buchanan, Francis (1986), *An account of District of Shahabad in 1812-13*, New Delhi: Usha, reprint.
- Caplan, Lionel (1980), 'Power and Status in Sought Asian Slavery', *Asian and African Systems of Slavery*, James L. Watson, Berkeley and London: University of California Press.
- Chanana, Dev Raj (1960), *Slavery in Ancient India*, New Delhi: People's Publishing House.
- Chattaopadhyay, Amal Kumar (1977), *Slavery in Bengal Presidency (1772-1843)*, London: Golden Eagle.

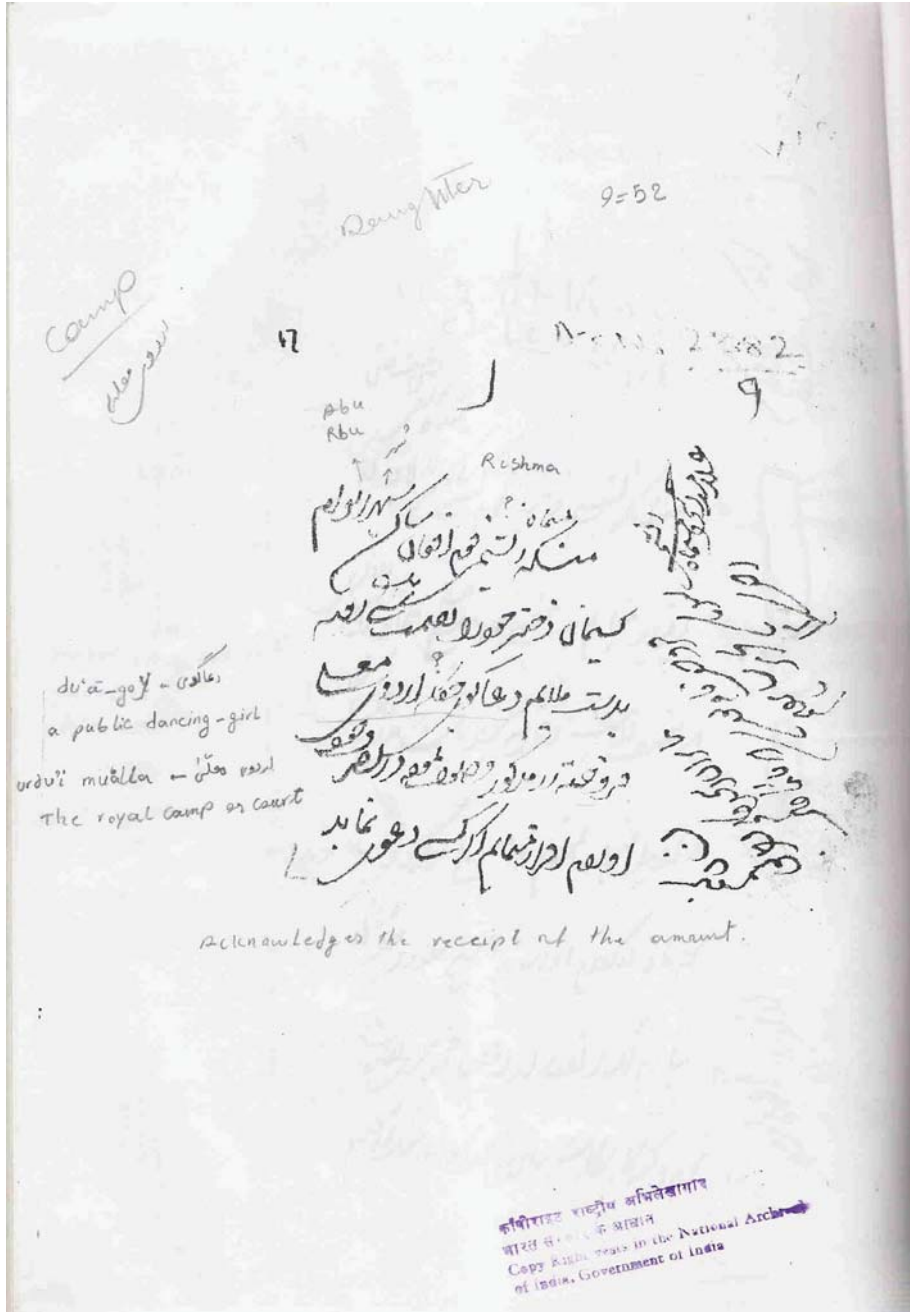
- Chatterjee, Indrani (1999), 'Colouring Subalternity: Slaves, Concubines and Social Orphans in Early Colonial India', *Subaltern Studies* x, eds. Gautam Bhadar, Gyan Prakash and Susie Tharu, Oxford: Oxford University Press.
- Chatterjee, Imdrani (1999), *Gender, Slavery and Colonial India*, Delhi: Oxford University Press.
- Cole, J. R. I. (1989), *Roots of North India Shi'ism in Iran and Iraq: Religion and State in Awadh, 1722-1859*, Delhi: Oxford University Press.
- Datta, Kalikinkar (1978), *Survey of India's Economic Condition in the Eighteenth Century (1707-1813)*, New Delhi: Munshiram Manoharlal, 2nd reprinted.
- Davis, David Brian (1984), *Slavery and Human Progress*, Oxford: Oxford University Press.
- Dingwaney, Manjari (1985), 'Unredeemed Promises; The Law and Servitude', in *Chains of Servitude: Bondage and Slavery in India*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: Sangam Books.
- Dockes, Pierre (1982), *Medieval Slavery and Liberation*, Chicago: Chicago University Press.
- Dutta, Romesh Chunder (1980), *Ancient India (2000 B.C.- 800 A.D.): Epochs of Indian History*, Delhi: Butala.
- Habib, Irfan (1969), 'Potentialities of Capitalism Development in the Economy of Mughal - India', *Economic History*, vol. 29, no. 1.
- Habib, Habib (1992-3), 'Akbar's Social Views: A study of their Evolution', *Indian History Congress*, 53rd session.
- Kidwai, Salim (1985), 'Sultans, Eunuchs and Domestics', *Chains of Servitude: Bondage and Slavery in India*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: Sangam Books.
- Lal, K. S. (1994), *Muslim Slave System in Medieval India*, New Delhi: South Asia Books.
- Mires, Susanne and Kopytoff, Igor (1977), 'African Slavery as an Institution of Marginality', Mires and Kopytoff eds., *Slavery in Africa: Historical and Anthropological Perspectives*, United State America: University Wisconsin Press.
- Moosvi, Shireen (2005), 'Domestic Service in Precolonial India; Bondage, Caste and Market', *Processing India History Council*, Delhi; 65th session.
- Moosvi, Shireen (2005), 'Travails of Mercantile Community: Aspects of Social Life at the Port of Surat (Earlier Half of the 17th Century)', *Proceedings - Indian History Congress*, Delhi: Indian History Congress.
- Pal, Dharam (1944), 'The Influence of the Slaves in the Muslim Administration of India' *Islamic Culture*, no. 18, (reprint, London: reprint, 1971).
- Prasa, Pushpa (1988-9), 'Female Slavery in Thirteenth Century Gujarat Documents in the Lekhapaddhati', *Indian Historical Review*, Vol. 15, no. 5L2.
- Sarkar, Tanika (1985), 'Bondage in the Colonial Context', *Chain of Servitude; Bondage and*

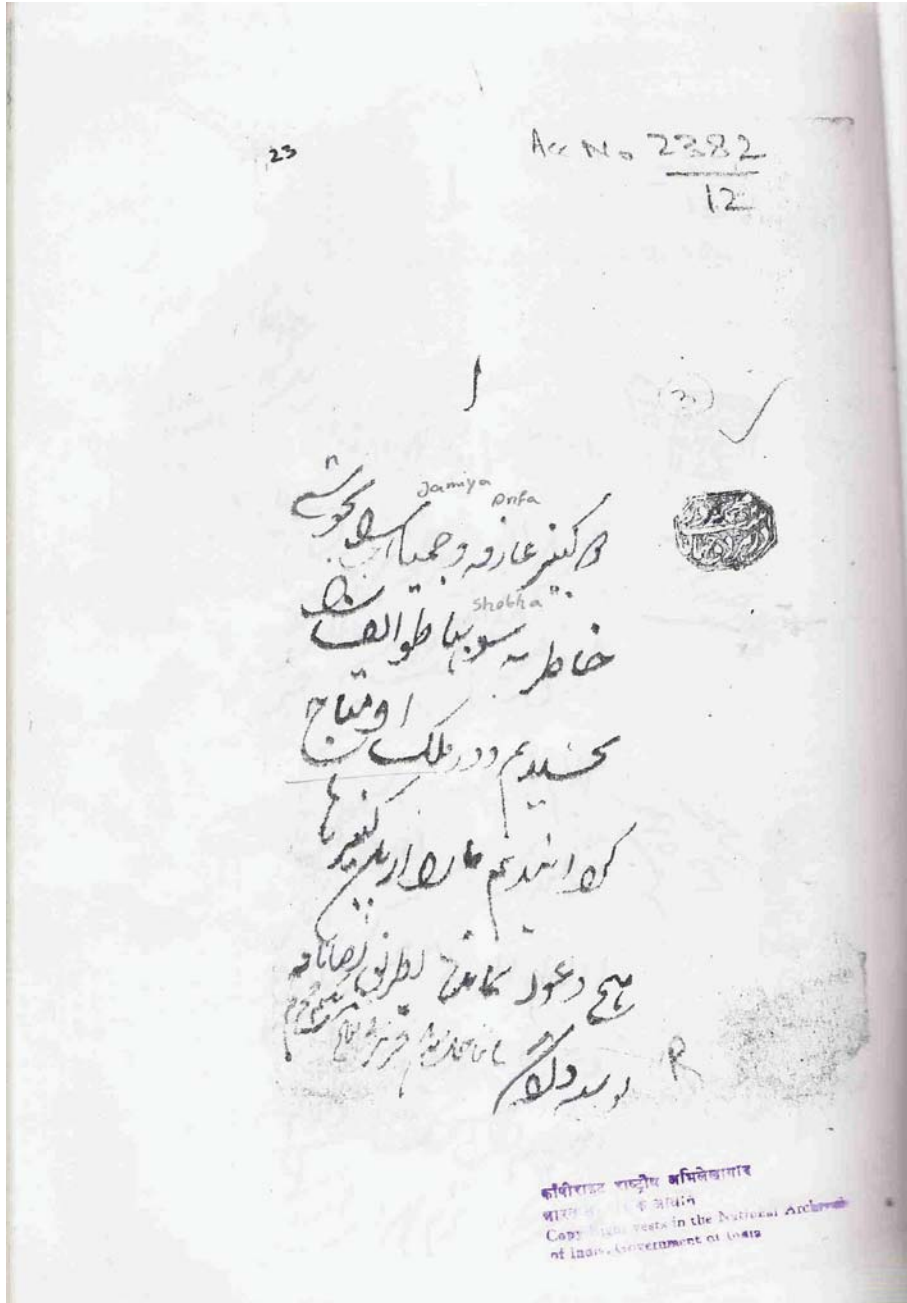
- Slavery in India*, eds. Utsa Patnaik and Manjari Dingwaney, Madras: Sangham Books.
- Singh, Ugagir (1966), *Allahabad; a Study of Urban Geography*, Banaras: Banaras Hindu University.
 - Steingass, Francis Joseph (1892), *A Comprehensive Persian-English dictionary, including the Arabic words and phrases to be met with in Persian literature*. London: Routledge & K. Paul.
 - Suri, Pushpa(1977), *Social Condition in 18th Northern India*, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers.
 - Watson, E. Paul(1983), *Transformations in Slavery: a History of Slavery in Africa*, Cambridge: Cambridge University Press.

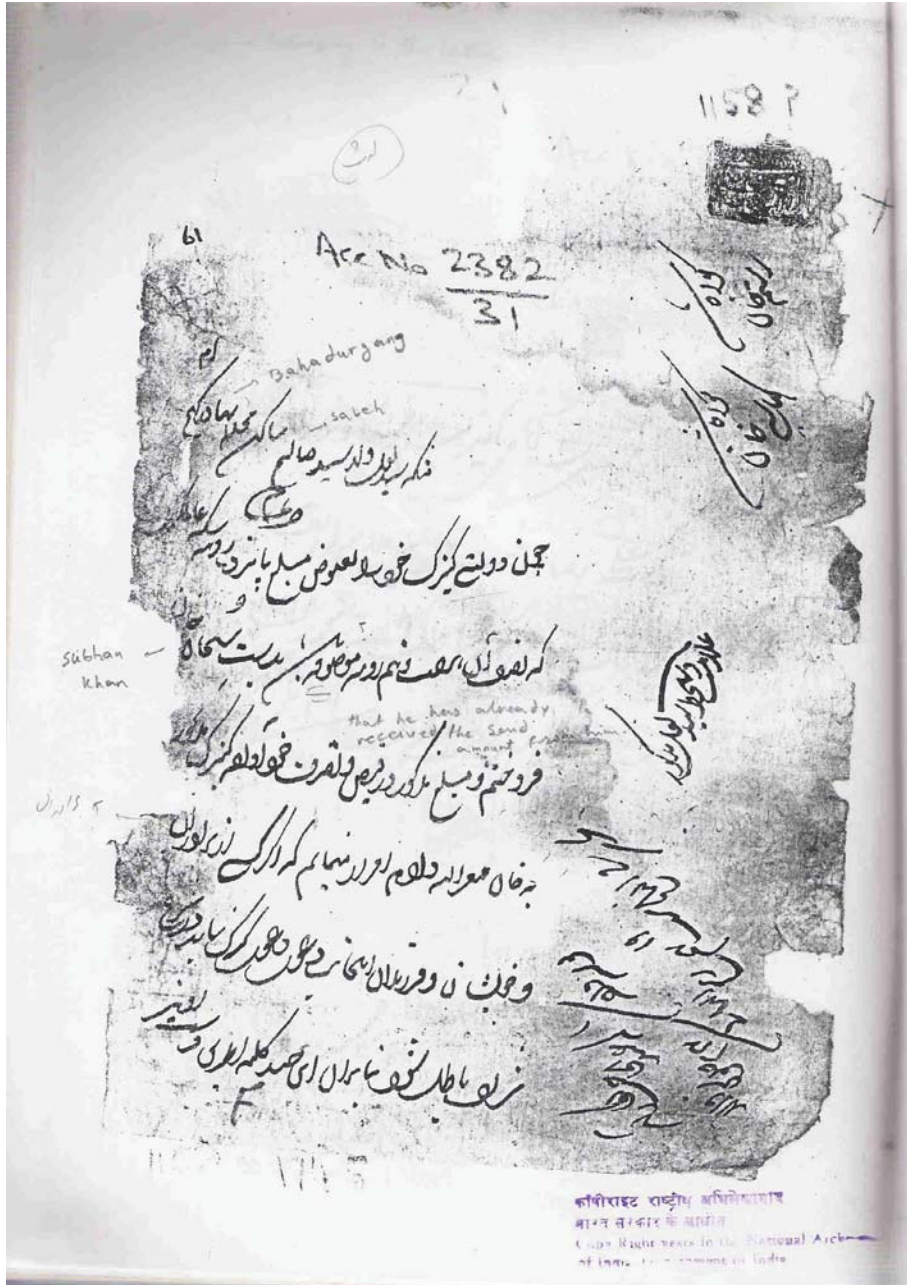
ضمیمه: روگفت اسناد الله‌آباد

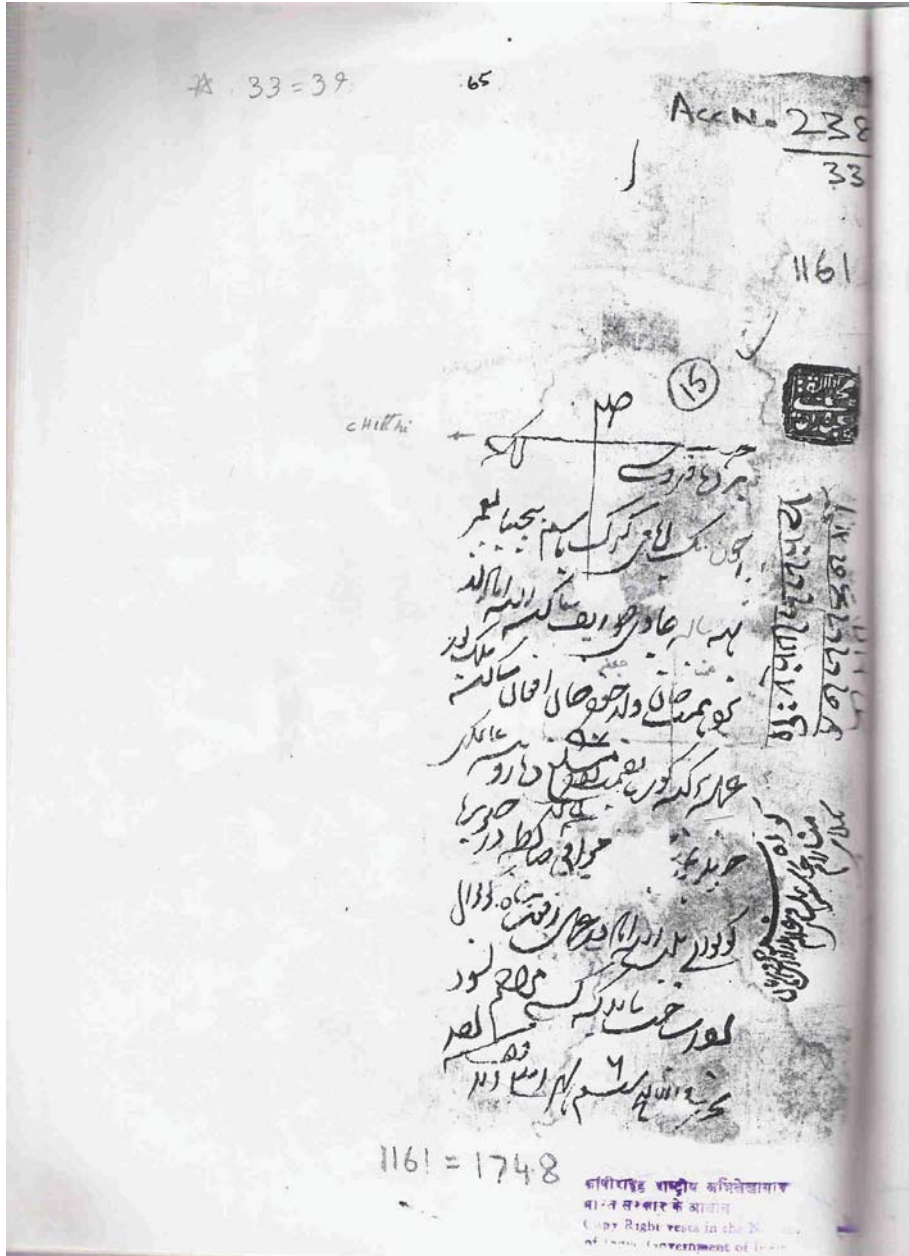


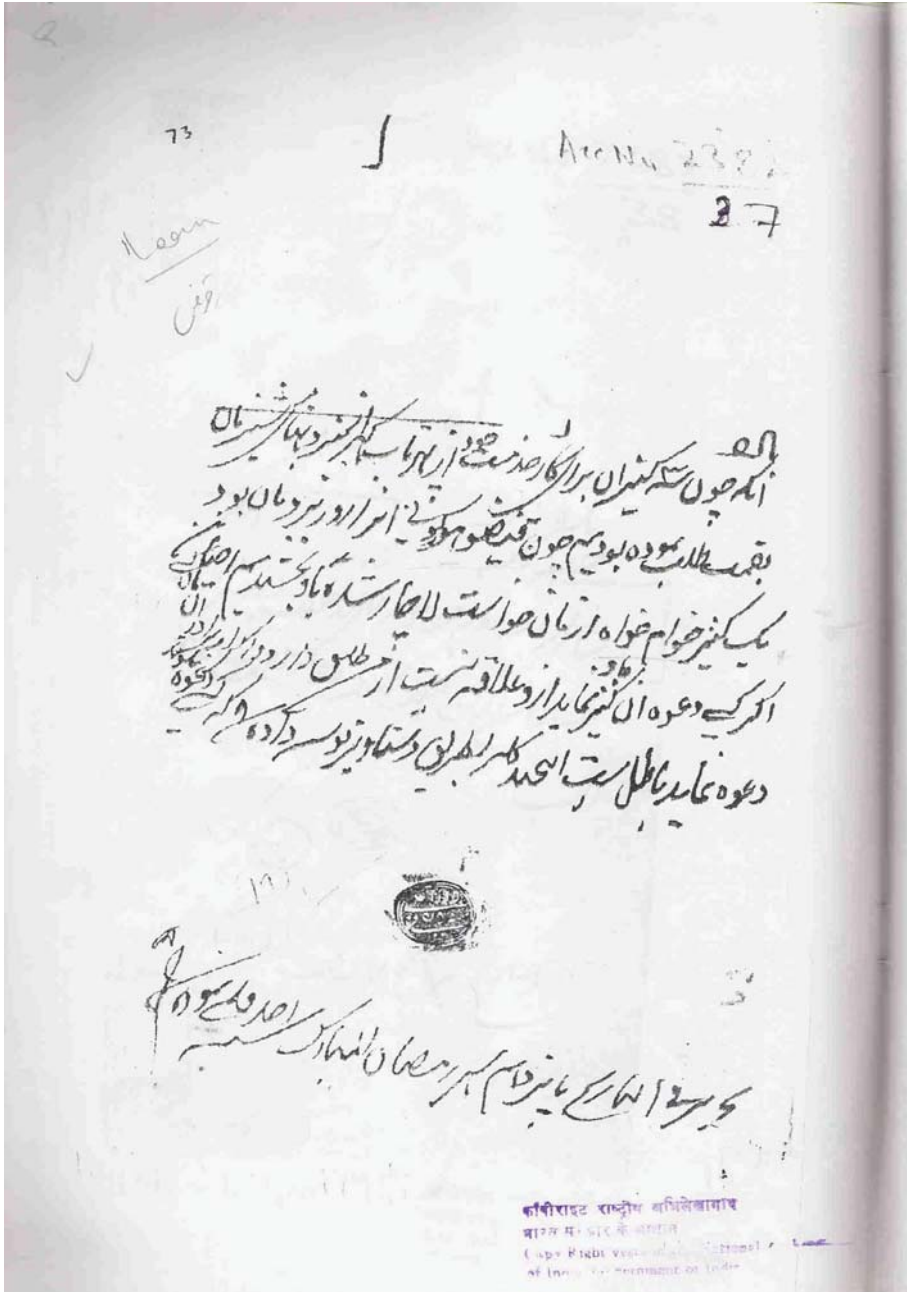


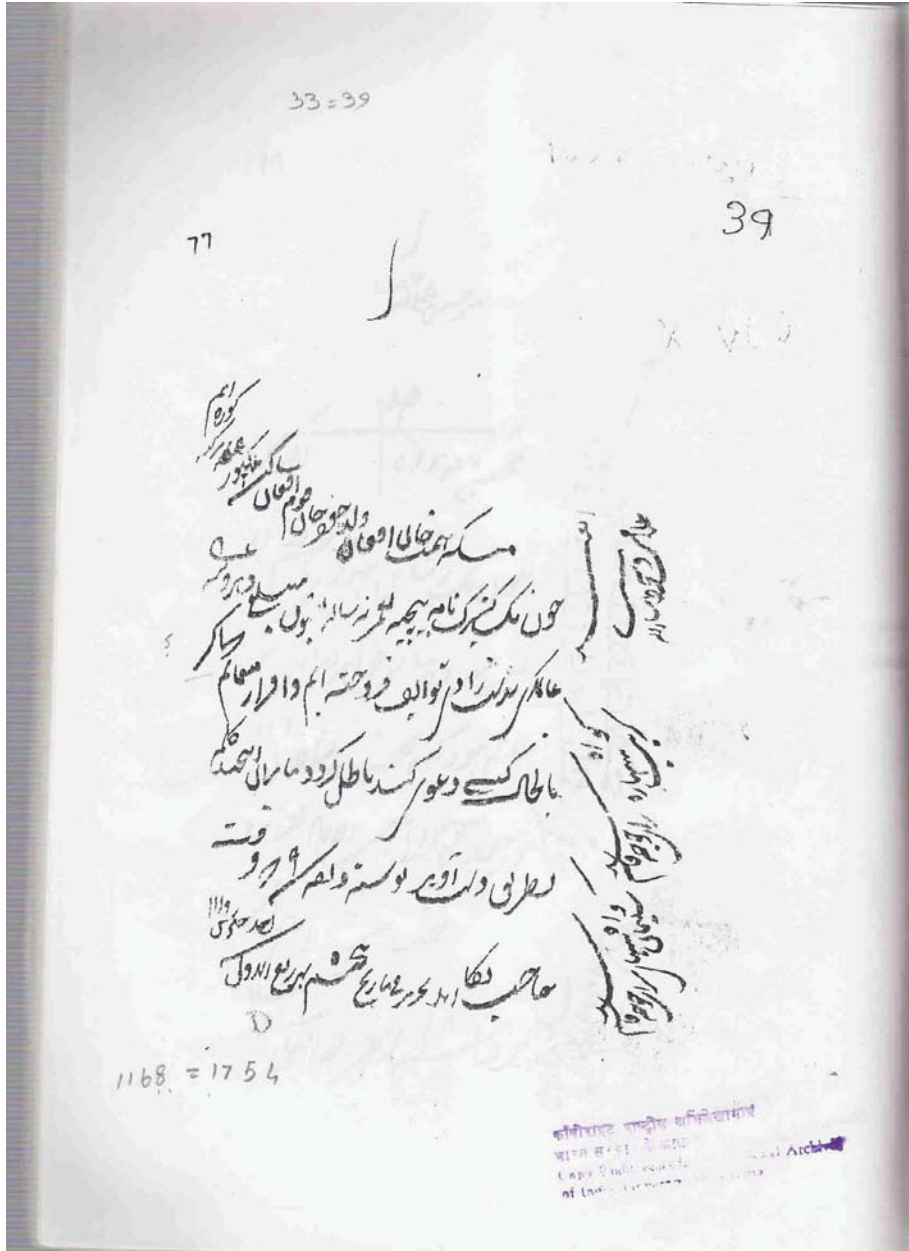


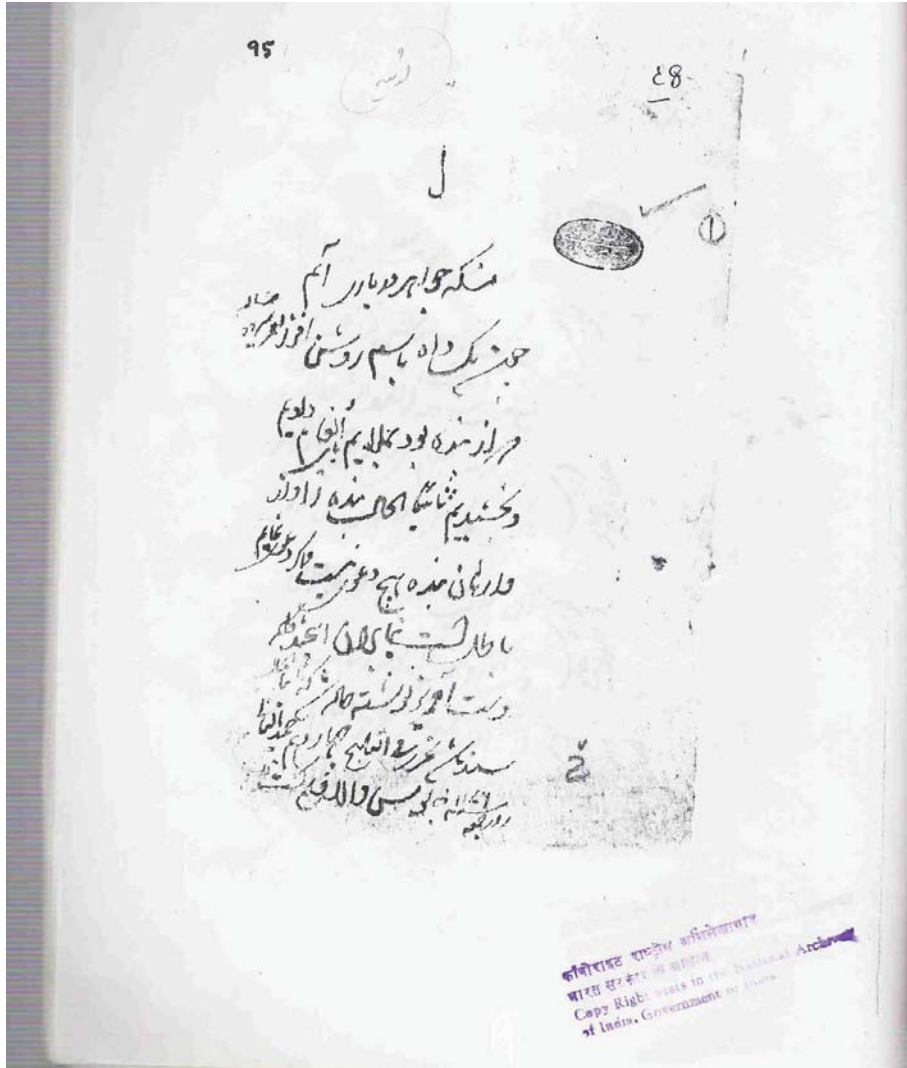












۱۰۶

J.

Acc No. 2222

Slave-Hive Deed

نامکده بود و در حسابان خلافت ...
 عین معنی از تمام جهار کرده ...
 هرگز در کمال باقی در ...
 از کوفت در کوفت ...

دوازدهم منصف ...
 در روز شنبه ...
 و من اهل ...
 هر که ...
 بدست ...
 تسلیم ...
 مدعی ...
 منظم ...
 افزاینده ...
 ابد ...
 نسخ ...
 سند ...

۱۸۱۴

Archivist

